



~~۲۴۴~~

۲۴۴



کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب	تقریر الصلوٰۃ
موضوع	طیبات گردآورنده: محمد طاهر بن محمد الحسینی
شماره ثبت کتاب	۷۳۴۹۴
شماره قفسه	

۵
۱۰
۱۱



ت
۳۱۰

۲۴۴
۲۴۳



[Faint handwritten text in Persian script, mostly illegible due to fading.]

1
2
3
4
5
6
7
8
9
10
11
12
13
14
15
16
17
18
19
20
21
22

کتابخانه مجلس شورای ملی		 شماره ثبت کتاب ۷۳۴۹۴
کتاب: تفهیم الصلوٰۃ		
مؤلف: محمد طاهر بن محمد الحسینی		
موضوع: شماره قفسه		


۵
۱

ت
۳۱۰

۲۴۴

۲۴۴

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب: قواعد الصلوة
مؤلف: محمد طاهر بن محمد الحسینی
موضوع: نماز
شماره ثبت کتاب: ۷۳۴۹۴
شماره قفسه: ۱۳۲۳

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: قواعد الصلوة	 شماره ثبت کتاب: ۷۳۴۹۴
مؤلف: محمد طاهر بن محمد الحسینی	
موضوع: نماز	

ت
۳۱۰



بسم الله الرحمن الرحيم
تصویر

مستل بر صلوٰۃ و فروت آن

که عالم جلیل محمد طاهر بن رضی الدین

محمد حسینی بدین طرز بدیع بنام پادشاه

وقت شاه سلطان حسین صفوی انار الله

برمانه نگاشته، محض خدمت بهم کیش

بجلیه طبع آراسته آمد

امید که مستفیدان بانی و کاتب را

بدعای خیر یاد فرمایند

ناشر

محمد علی علی

حق چاپ محفوظ و مخصوص بناسر است

آذر ۱۳۲۴

تقویم الصلوة

اقیموا الصلوة ان الصلوة كانت علی المؤمنین کتابا موقوتا

روزی باره از کتابهای فقه مراجعه میکردم در آن میان نظرم باین نسخه انیس مذهب محفل مرقوم
تقویم الصلوة افتاد که شاید اصل نسخه است که مصنف نام پادشاه وقت سلطان حسین صفوی
با خط نسخ عالی و سرجه مذهب جدول رقع مزین و مطرز ساخته و پرداخته به پیشگاه وی تقدیم داشته
زیر که نام پادشاه را پس از القاب فراوان با خط طلای خالص آرایش تمام نگاشته و در
کتاب همه جا با خط طلا و لاشه در بدشتی و الوان رنگارنگ مفصل و از یکدیگر جدا و ممتاز قرار داده
و در کتب عادی مهووفیت که اینگونه تشریفات و تزیینات را بکار برند کیف کان ملاحظه نمائید
این سال که از حیث صورت و معنی در بین متون فقه بزمایای بسیار اختصاص دارد و خاطر ما بطوری
جلب کرد که برای خدمت بهم کیشان خود که پیروی از مذهب جعفری دارند و شکر آن شد که نسخه
بطبع و نشر ساعی مصادف با این اندیشه از جند موفق آقای محمد علی علمی وارد منزل اینجانب شد
رساله را دید و پسندید با کمال اشتیاق درخواست نمود تا رساله را در اختیار او گذارم که با شتاب
اقدام بطبع کتاب نماید این بنده چون شوق ایشان را در طبع و نشر کتب علمی خاصه آثار مذهبی میدیدم
توفیق این افتخار را در باره ایشان روا داشته ایثار کردم امیدوارم که پیوسته از تعقیب اینگونه
رویه پسندیده برخوردار باشند.

* *

مصنف این کتاب چنانکه خود او یاد کرده ابن رضی الدین محمد الحلی محمد طاهر است هر چند

ترجمه احوال این عالم جلیل را هنوز در کتابی نیافتم لیکن طرز بدیع و اختراع عجیبی که در تزیین و
تنظیم و تبویب این نسخه با عبارات سهل و ساده بکار برده بهترین معرفتی است از مقام علمی
و لطف قریح و حسن سلیقه نویسنده در حقیقت این شیوه که در تحریر این قسمت از فروع عبادت
با رعایت جانب احتیاط چنانکه خود در مقدمه رساله اشعار نموده و همین ملاحظه مبسوطی
مسائل را بر فتوای شهیدین علیها الرحمه و قول مشهور است داده سر مشق خوبی است برای یکران
که باقی ابواب فقه را تا خاتمه کتاب دیات بهین روش بنگارند و عامه مردم را از کلفت در
تخیص اعلم که احرازش بسی مشکل است بر نهند و بسوگ طریق احتیاط که بسبب نجات
هدایت نمایند و اختیار این روش در نگارش کتاب منافی آن نیست که فقیه جامع شریعت
در ضمن تالیف خویش نظر خاص خود را در مسائل مختلف فیه نیز بیان کند تا در مقام عمل کار هر یک
از مقلد و محتاط سهل و آسان باشد و برای اهل نظر مد و مکر بوده باشد. نصره نقضی



<p>بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ</p> <p>أَحْمَدُ كُلَّ بَوَائِعِ الصَّفَاتِ أَمَّا زَنَا فِي أَزْهَرِ أَجْنَاتِ كَتَبْتَنِي بِنَا عَلَى الْكُنُوتِ بِقَائِمِهَا بِفَائِسِ الْحَسَنَاتِ وَعِصْمَانَا الْخَالِي مِنَ الْبُزْغَاتِ بَصَائِفِ الْخَيْرَاتِ وَالْبُرْكَاتِ أَنْتَ يَا قَرِيبَ الصَّلَاتِ صَلَاتِ عَنَّا خَيْرَ أَطْيَبِ الشُّرُوتِ رُفْعِ الْمَسَائِلِ فِي أَدَا الصَّلَوَاتِ مَنْ عِلْمُهُ فِي أَرْفَعِ الدَّرَجَاتِ مِنْ أَشْرَفِ الْعُلَمَاءِ وَالسَّادَاتِ</p>	<p>يَا حَيُّ (تَقْوِيمُ الصَّلَاةِ) إِذَا أَحْمَدُ عُزِّتَ بِأَعْرَاسٍ رُشِدًا يَنْفَعُ إِنَّ الصَّلَاةَ كَيْتَابًا الْمَوْقُوتِ وَهِيَ شَتَّى عَنِ الْفُتَى كَمَا شَتَّى الْهَوَا يُعْرَاجُنَا لِدَيْ السَّعَادَةِ وَالْعُلَى كَهْ أَزْهَرَتْ صَفْحَانِي مَلَكُوتُهُ فَأَحْفَظْ مُرَاقِبَتِ الصَّلَاةِ تَجِدْ بِهَا بِسْمِ اللَّهِ مَنَاقِبَ تَقْتَضِي حَقِيقَةَ وَحَقِيقَةَ قِيَامٍ فِي أَرْجَا حَقِيقَةٍ مَا حَاطَ مَا صَدْرُهُ إِلَّا وَدَى يَكْفِيهِ دَحَا مَا أَقْبَى فِي دَحِيهِ</p>
<p>دُو الْفَرْدِ الْغَنَةِ نَا صُرُونِي بَسْمَلِ الْاَوْقَاتِ وَالسَّيِّدِ الْقَوِيِّ عَيْنُ مَنْ أَنْتَ اللَّهُ الْخَلِيلُ عَلَاهُ سَقَى تَقَاتِ</p>	<p>دُو الْفَرْدِ الْغَنَةِ نَا صُرُونِي بَسْمَلِ الْاَوْقَاتِ وَالسَّيِّدِ الْقَوِيِّ عَيْنُ مَنْ أَنْتَ اللَّهُ الْخَلِيلُ عَلَاهُ سَقَى تَقَاتِ</p>
<p>بَيَانُهُ تَوَافِي السَّبِيحِ أَبَانَ مِنْ دُو الْمُنِطِّ الْفَضْلِ الَّذِي فِيهِ أَنْبَرُ فِيهِ الرِّيَاسَةُ شَرِيفَةٌ عُرُونًا تَحَا يَسْتَلُ مِنْهُ الْعَدْلُ سَيْلًا جَارِنًا</p>	<p>بَيَانُهُ تَوَافِي السَّبِيحِ أَبَانَ مِنْ دُو الْمُنِطِّ الْفَضْلِ الَّذِي فِيهِ أَنْبَرُ فِيهِ الرِّيَاسَةُ شَرِيفَةٌ عُرُونًا تَحَا يَسْتَلُ مِنْهُ الْعَدْلُ سَيْلًا جَارِنًا</p>

<p>لِلطَّامِنِينَ إِلَى دُرُودِ فَرَاتِ رَشَّحْ كَلَامَ الرُّوحِ لِلْأَرْوَاحِ سَيِّمِ النُّبُوَّةَ سَاطِعِ الْكَلَامِ تَزَلْ الْكِتَابُ بِحُكْمِ الْآيَاتِ لِيُخْلِقَ أَحْسَنَ جَهْمٍ وَخَيْرَ هِدَايَاتِ يَا عَظُمَ كَأَنِّي الْكَيْسَ وَارِثِ وَارِثِ رَحْمِي لِلدِّينِ دَائِمَاتِ وَصَلَاةٍ شَرِيفَةٍ وَخَيْرِ سَلَاةٍ</p>	<p>بَحْرُ الْعُلُومِ بِرَحْمَةِ مُعَدَّةٍ وَدُبْ تَوَرَّشْ فِي الْأَجْدَاثِ مِنْ رَشْحَاتِهِ مِنْ أَسْرَةِ عَرِ الْوُجُوهِ عَلَيْهِمْ أَبْوَابِ عِلْمٍ فِي وَصْنِ آبِيَاهُمْ أَمَّا وَحْيِي اللَّهُ خَيْرُ أَيْمَةٍ سَلِّ لِي أَنْتَ أَقْبَلَ أَنْتَ إِلَّا لَعْنَهُمْ لَوْلَاهُمْ لَمْ يَجْرِ مِنْ شَيْءٍ وَلَا هُمْ أَلْ تَبِيتَ الْمُصْطَفَى شُبَّ الْبُهْدَى</p>
<p>أَجْدَادُ (نَصْرَانِيَّةٍ) نَاصِرِ شَرْعِهِ مِنْ كُلِّ قَادِحَةٍ مِنَ الْآفَاتِ</p>	<p>أَجْدَادُ (نَصْرَانِيَّةٍ) نَاصِرِ شَرْعِهِ مِنْ كُلِّ قَادِحَةٍ مِنَ الْآفَاتِ</p>
<p>مُؤَرِّثِي مِنَ الْكَرَمِ الْقَادَاتِ فِي قَضَائِهِ مَعَشُوبِ الْخَفَاتِ فَرْدُودُونَ بِوَرَعِهِ هِبَاتِ لِحُدُودِهِ الْأَطْيَارِ غُرُورَاتِ فَقْدَايَ إِلَيَّ الْقَضِيمِ خَيْرَ قَضَاتِ وَسُيُوسِي وَصْنِ الْأَدَابِ مِنْ غَالِيَاتِ رَفَعْ لِنَفْسِهِمْ مِنَ الطُّبَقَاتِ إِلَّا بِرَّارٍ مُسْتَدَّةٍ لِقُرُورَاتِ بِمَا أَحْمَدُ مِنَ الْأَطْيَبِ الْفُرَاتِ لِأَدَا الصَّلَاةِ وَصَلَحِ الدُّخُولَاتِ</p>	<p>فِيهِ الْكَاثِمُ جُودُهُ مَحْضَمُ لَهُ إِنْ جُنْتُ كَجَرِّ الْعِلْمِ مِنْهُ وَجَبَتْ تَرَدُّدُ الْوُجُوهِ فَإِنَّهُ يَبْعَثُ الْهَدَى فَقْدَايَ الَّذِي قَدْ لَاحَ الْكَرَمِ وَارِثِ قَدْ وَرَّثَهُ الْإِبْرَاهِيمَ وَفَضْلًا تَحَا لَمْ يَتَوَخَّرْ عَنِ الْعِلْمِ قَطْرًا مِنْ دَمَا خُضْرُ لَأَيْلِ الْعِلْمِ مِنْهُ جَبْنُ حُ نَاهُمْ إِلَّا أَنْتَ شَارِ قَوَائِدِ وَلِذَا أَشَارَ بِطَبْعِ (تَقْوِيمِ الصَّلَاةِ) لَا زَالَ بَدْرًا لِلْعُلَى يَهْدِي الْمَدَا</p>

تقویم الصلوة	
زهی صحیفه کامل زهی حجت کتاب	تبارک الله ازین قول فضل و فضل خطاب
کتاب مختصر نافع و مفید و عنبرین	فضول باب عبادات راست باب
صحیفه ایت مجدد صلوة را تقویم	سوده نامه نامی نماز را آداب
نمایش شب و روز است این خط و کاغذ	دیاب به بال حوصل نهفت پر غراب
خط جدا دل او شل خسته نای هشت	ردان قواعد دین اندر او چو در خوشب
گزیده نامه جواب سوال هر سائل	درست خواهی حادی هر سوال جواب
چه وصف گویم من این رساله را به ازین	که برگزیده پسندید صیرت نفع کتاب
جناب جبراجسل حاج سید نصر الله	
نصیر دین تقوی سید اولوالالباب	
علوم دینی و عقلی همه در او شده جمع	بقول کامل و فکر زین و رای صواب
به انجمن التجارب شهر شده که بعمر	لقب بخواسته مستحق است از القاب
بود بر مرتبه بدری بیان خیل نجوم	چو بگری نبش را میانه انساب
سلیل حجت حق حضرت امام جواد	محمد تقی آن خضر و سپهر جناب
ز فیض محض او بهره مند طالب علم	چنانکه روی زمین بهره در فیض جناب
بزرگ محور در کارگاه عدل و حق	بود بعالم علم آفتاب عالجاب
مولیان و مجتبان و دوستانش را	خدای گفت که: طوبی لهم و حسن باب
چو این صحیفه پسندید امر داد بطبع	
که مؤمنین را گردد دلیل خیر و ثواب	
امید آنکه ازین کار خیر احسن جزیل	نصیب بانی و ناشر شود بروز حساب
محمد علی	

الصلوة معراج المؤمن

پس از این که حضرت علامه وحید سید الاساتید جناب آقای حاج سید نصر الله تقوی رئیس معظم دیوان عالی کشور مدظله مقدمه برای چاپ این کتاب مستطاب تقویم الصلوة مرقوم فرموده و آماده گردید.

اتفاقاً جناب عماد الفقهاء و ثقة العلماء المولی المتقید آقای حاج سید حسین «صوة الرشید» مجتهد کاشانی متعنا الله بطول بقاء کتاب مقدمه آنرا مطالعه و تقریظی عربی برشته نظم آورده و ادیب ارجمند آقای مجتهد العلی زید فضلہ ابیات غزالی سرودند که بمثابة ترجمه اشعار عربی محبوب است بلحاظ اینکه متضمن فوائد کثیره بود هر دو منظومه عیناً درج شد خداوند تعالی توفیق رافقین ما و همه مؤمنین بگرداند تا از نماز گذاران بشمار آمده رستگار گردیم.

صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

مَنْ صَلَّى نَجَا وَمَنْ تَرَكَ هَلَكَ

اکیسه نماز گذار در رستگار گردد ، اکیسه نماز را واکذار دانا بود شود .

در خاتمه از مساعی آقای جواد شهیدی فرزند برونند مرحوم میرزا زین العابدین «ملک الخطاطین» که از اساتید نویسندگان عصر بود و این خلف صالح بمنزله از پدر بزرگوارش میراث یافته و با ذوق ایمانی نوشتن این نسخه را بعهده گرفته و از آقای البرطانی مدیر گزارد سزی گیتی که محرر این کتاب را با کمال دقت انجام داده اند استنان حاصل است .

« بنده نیازمند : محمد علی صلی »

تصویر لصلوة
مُشْتَلِ صِلوة و فروعات آن
که عالم جلیل محمد طاهر بن ضی الدین
محمد یحیی بن بدین طهر بدیع بنام پادشاه
وقت شاه سلطان حسین صفوی امار الله
بر مانده نگاشته، محض خدمت بهم کیش
بجلیه طبع آراسته آمد

امید که مستفیدان بانی و کاتب را
بدعای خیر یافریزند

ناشر
محمد علی علمی
حق چاپ محفوظ و مخصوص بنام است

آذر ۱۳۲۴



کتاب تقویم الصلوة

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد از حمد مالک الملکی تعالی شأنه و عظم برانه که بهیوب نسیم صبا ی مرحمت بنیاید
خاشاک شک و بشهره از فضای خاطر بارفته و از تقاطع سحاب غایت بیغایت و بیصفت
بزار ساله را از عرصه دلها باب مطلق قبول توبه و انابت شسته و قدیمی که نفوس مقدسه و حقول
قادره با آنکه بارشاد طریق طلبی معبرین بحیوة حقیقت سرافرازی یاقنداند دریدای ادراک
کنه کاش ترانه مسخ زغمه بجانک لعل نگردیده و در زوایایمان و حیرت خزیده اند
حکیمی که تظاهرها آثار قدرت را بسبب استنصار کوه بصرا کنیسه امکان و تواتر اخبار رحمت
عالیان شمولش را مصباح محفل ضمیر بالغ نظران میت الحرام عرفان ساخته و علمی که رتبه بدر نیز بطریق
عجود پیش آورده و وجهه آفتاب عظیم النظیر بسجدهات شبان روزی آستان درگاه جلال

منور و پیراسته گشته و خلق کونین بعدایت از لمعات اشعه لولای قدرت او و ایجاد خافضین
ترجمه بنده ایست از کتاب مبسوط حکمت مینایت او و الذی کل دون صفاته تحمیر اللغات و
وصل هناك تضاریف الصفات و حار فی مکتوبه عمیقات مذاهب التفكير و انقطع دون
الریح فی علمه جوهر التفسیر و خدائی که هستی را در اسرار است و بجز هستی و فایز است
طرز اندیشه سپید آفتاب و نگارنده نقش مردم بر آب و تعالت نقوده و جلالت الاله و جلالت
تجدد آرای محفل کائنات و واسطه آفرینش موجودات و شمع فردان بزم جلال و آفتاب
درخشان آسمان رسالت که تا مهر و ماه فروغ از رخ فید و خستند چراغ نور غیر خستند و تا نظر
بجمال جهان آرای او روشن ساخته بنور پاشی قدیر خستند و بلال عید از غل براق آسمان پاش
اثری و دیر تو خورشید از شعلات طر جلالش شری و الذی قد تشریف تشریف قاب
قوسین او ادنی و المیزین بر نیت فادجی الی عبده ما دجی و کجا بساحت قدرش بحال تملیست
شبی که پای تختش مقام جبریت و آل اطهار او سپهر پرده گشای اسرار لایبوت و حلال شکت
ناسوت و الی خطه لواجتمع الناس علی حب علی بن ابی طالب لما خلق الله النار و المنصور
بنفس انما و کلم الله من الملک الجبار و صلی احمد مرسل کبی محبت او و برادرش مرشد و بنیان
علیه من الصلوات انما و من التلیات از کینا و بر ضمیر نیز خورشید نظیر ارباب الباب
و اصحاب معرفت و آداب و مخفی نماند که چون اکثر کتب فقهیه که رقم زده و تالیف علماء اعلام
و نگاشته و خاد فاضلای بلاغت فرجام گشته و بلغت تازی سمت ترقیب یافته و بخاطر ظاهر
این عاری از طریق رسوم ظاهر ابن رضی الدین محمد الحنفی محمد طاهر رسید که مسایل ضریقه
ناظر را بر ترقیب جدید در سبک تحریر در آورده و چون در اکثر مسایل اختلاف میان علماء و دین ضریقه

الله عليم بحسب واقع بود یعنی برای شنید اول ثانی قدس الله روحها گذاشته است
 علماء قدوه ساخته و ذریعه تعلیم آستان فلک سان گرامی گوهر خزان صانع یزدان
 قره العین و دو مان صفوت آستان به محفل آرای او رنگ شاهی و شعله یاری
 چهره گشای رخساره معدلت و خبت یاری به فروغ رخساره نبوت امامت به ثمره شجره حیات
 و ولایت به پیرائی جمال پادشاهی به و صدقه مفاد ظل آئینی به کربطه جلالش کاخ
 شاهی بنبایه طاق کسری از خور آثار وین محمدی شکست خورده به و سوسنات معاصی در رنگ
 آتشکده فارس غریب بحر فاشده به سرافراز سلطان حسین آینه قدسش به بچرخ برین میزند
 طعن سستی به سیلان مکانی که از بیم تهرش گریزان شد از طبیعت بوده سستی به خداوند
 و سلطانه به و افاض علی العالمین برده و احسانه امید که و انشوران اگر بر خطای اطلاع
 یابند بذیل اصلاح چو پشاند به و الله المعین و منه نستعین
 و این کتاب مشتمل بر مقدمه و سه باب و حاشیه اما مقدمه در بیان وجوب فضیلت
 نماز و بیان نجاسات و مطهرات و احکام آنها باب اول در بیان مقدمات نماز و آن
 شش چیز است چنانکه بعد ازین مذکور میشود باب دوم در بیان مقدمات نماز و آن
 هشت چیز است باب سوم در بیان خلای که در نماز واقع شود و آن مثل برهفت فضیلت است
 فصل اول در بیان خلای که عمدتاً و سوا نماز را باطل کند فصل دوم در بیان خلای که عمدتاً نماز را
 باطل کند نه سوا فصل سوم در بیان خلای که نماز را باطل نکند و تقاضی و سجده سوا لازم نگردد
 فصل چهارم در بیان خلای که تقاضی لازم شود بدون سجده سوا فصل پنجم در بیان خلای که
 بهم تقاضی لازم گردد و هم سجده سوا فصل ششم در بیان خلای که سجده سوا لازم شود بدون تقاضی

فصل هفتم در بیان خلای که موجب نماز احتیاط گردد و با سجده سوا یا بی سجده سوا
 خاتمه در بیان واجبات نمازهای دیگر غیر نماز یومیه اما مقدمه نماز یومیه واجبست بصل و اجلاع
 و کسی قایل بر خلاف آن نشده و کسی که ترک نماز را حلال دانند کافر است و گذاردن نماز واجب
 حقیقت در حدیث بطریق اهل بیت علیهم السلام واقع شده که نماز فریضه بهتر است از
 بیست حج و هر حجی بهتر است از خانه که پرازدن باشد و آنرا در راه خدا صدق کند تا بمه
 آن بر طرف شود و حدیث دیگر از اهل بیت ۴ وارد است که نزدیک میشود بصدقه بخداوند
 عالمیان هیچ چیز بعد از شش خنق خدا که افضل از نماز باشد و واجبست نماز بر هر بالغی و عاقلی
 مگر زن حائض و صاحب نفاس که تا بر آن حالت اند نماز از ایشان ساقط است و شرط است در صحت
 نماز اسلام نه در واجب بودن آن یعنی نماز بر کافران واجبست اما اگر از آن بگذارد و صحیح نیست
 و واجبست پیش از فعل نماز صرف خدا و آنچه صحیح است بدان آنچه متنع است از و باید معتقد بود بعد از حکومت
 او و باید معتقد بود بنبوت پیغمبر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامت و از و امام علیهم
 السلام و اقربا بحسب آنچه پیغمبر آورده و باید که محل آنها را بدلیل بدانند و تقلید پس مکلف بنما
 در زمان غیبت معصوم ۴ از رعیت و وصف اند یا مجتهد است و لازم است بر او استلال بر
 فعلی از افعال نماز و یا مقدمه است و مقدر را کیفیت فرا گرفتن از مجتهد هر چند بواسطه یا وسایط باشد
 اما باید که آن واسطه و وسایط همه عادل باشند پس اگر کسی اعتقاد داشته باشد یا آنچه مذکور شد
 و مسائل نماز را فرا گرفته باشد از مجتهد هر چند بواسطه باشد نماز او صحیح خواهد بود و چون صحت نماز متوقف
 بر عبارتست لهذا بیان نجاسات و مطهرات و احکام آنها بحسب ابرار مسائل مقدم داشته
 مقدمه کتاب ذکر نمودم و نجاسات و چیزانده مشهور و بعضی یازده چیز گفته اند

مثل خون دی خیر است تا چون بشکند پیشه یا لیک یا شش رو پاک گردد و این اتصال گوشت	مثل شراب که بخیر است چون بکشد شود پاک گردد پس شراب بمرکه برگشت و این را انقلاب گویند این حکم ندارد	یعنی اگر حیوانی بخیر شود و من حیث از و زایل شود پاک گردد و خوا حیوانی را نظر غایتش را بشود و آنرا این حکم ندارد
و اتم مسج بحسب پاک	یا زدهم اسلام	و و از و هم تعبت
و آن در صورتی که اطراف نخرج غایط آلوده نباشد پس آن مالیدن مسک است یا مطلق یا بر آب یا بر یا سبب پاک گردد و شستن با کاه	و از جو مفرات اسلام و اسلام پاک کنند بدن مسک است یا سبج کفر و پاک کردن آن خلاف کرده و اگر بر آید که پاک گردد	و تعبت نیز از جو مفرات است مثل اگر مسکانی طفل لا فری یا بر کند پس آن طفل تعبت آن مسلمان پاک گردد
<p>و چون از ازاله اکثر نجاستها آب می شود لهذا غیر احکام آبها را بتفصیل ذکر نمودم موافق برای شیخ شید علی الرضه از کتاب شرح لمعه و آب سه قسم است اول آب مطلق دوم آب مصفا سیم اسار و آب مطلق بر چهار قسمت اول جاری دوم آب ایستاده سوم آب چاه چهارم آب باران و آب ایستاده یا زیاد بر کرات یا بقدر گریا کمتر از گریا و در وزن هزار و دو طن عواقبت موافق مشهور برای شیخ شید و تقدیر بر طلی صدوسی در هم است موافق مشهور در هر جمعی گفته اند وزن چهل و هشت جو متوسط است یعنی جوی که نه بسیار بزرگ باشد و نه بسیار کوچک بلکه میان باشد در بزرگی و کوچکی پس بر طلی شش هزار و دویست و چهل جو متوسط است و یک کو بهشت هزار نزار و یکصد و چهل جو متوسط است و آبی که سه وجب و نیم در طول و سه وجب و نیم در عرض و سه وجب نیم و عمق باشد کثر است موافق مشهور و بساحت چهل و دو وجب و هفت شش یکم و هشت</p>		

بوجب مستوی و مطلق و درین جدول تعریف آب مطلق و مصفا و بیان حکم هر یک از بعد ازین در جسد و لها خواهد شد	و آب مطلق آب است که در عرف و عادت آنرا آب گویند یا آنکه در قیه کنند بجزی	و آب مصفا آنست که با نانو بجری کنند و مثل کلاب و آب لیمو و غیر آن
و آب سار آب قلیه است که حیوانی عنوسی را از اعضای خود را باد رسانیده باشد	جدول در بیان پاک و پاک کنندگی این سه آب بیان نجاست و طهارت هر یک	و آب سار آب پاک و نجاست و پاک کنند نجاست با نانو پاک کنند نجاست بجزی نیز نباشد موافق مشهور لغات کرده است اگر اخیرین پاکست و نیز پاکست و الا فلا
جدول در بیان طهرینی نجس شدن هر یک از این سه آب و طهرین شدن هر یک	و آب مطلق نجس میشود هر گاه که نجس یا با بوی آن نجاست تغییر کند خواه قبل باشد و خواه کشیده و درین نجاست آن بعد از این پاک میشود و اگر قبل برسد نجاست نجس گردد و هر چند که تغییر نکند	و آب مصفا برسدین آنکه نجاستی نجس شود خواه بقدر گریا یا بر کرایه از کرایه باشد پاک میشود و اگر کمرقتل شود پاک بجز مطلق و آب مطلق شود
و آب سار اگر سوز حیوانی باشد نجس است و اگر سوز حیوان پاک باشد حکم آب قبل مطلق دارد و اگر برسدین نجاست نجس گردد و چون با کثیر مطلق لغات کند پاک گردد		

جدول در بیان اقسام آب مطلق و طریق نجس شدن پاک شدن هر یک از آنها			
و آب جاری آبی که گویند که	و آب استاده و پاک است	و آب باران و پاک است	و حکم آب چاه غیر حکم
از زمین نجس خیر آب چاه	و زیا و بر آن پاکیزه اگر درین	و استاده و بیان حکم	آبهای دیگر است
حکم هر دو شده	هر دو شده		
نجس میشود هرگاه که رنگ یا	اگر گریزاید و اگر گریز کرد	اگر درین	و اگر استاده و در نجس شدن آب چاه
بوی از آن نجاست بکشد	و باشد رنگ باشد بوی	باشد حکم آب	برسد نجاست
خود و آن باشد و خواسته	یا بوی از آن نجاست	جاری و در جمیع آن	خلاف کرده اند آنچه شوا
در رسیدن نجاست	نجاست تغییر شود هر چند	که با بوی از آن	است آنست که آب چاه
نجس گردد و هر چه که گریز	نقد نجس گردد که گریز	بازگشت و بر گریز حکم	برسد نجاست نجس
گردد موافق میشود	و پاک شود هرگاه آن نجاست	نجاست شود آب گردد	میشود هر چند بقدر
پاک میشود آب جاری هرگاه	که تغییر او در ظرف	تغییر او پاک	گریزاید و بر گریز حکم
که تغییر او در ظرف	شود و طاعت پاک میشود هرگاه	میشود هرگاه	که آب کم از گریز و در چون قدر معینی که از برای
خود بخود تغییر او در ظرف شود	گردد بکرا آن که طاعت	تغییر او در ظرف	و در یکی از حکم هر نجاستی مقرر فرموده
و خواهبسبب از خارج که	باید در ظرف بکرا آن	گردد خواه	آب که نجس یا کشیده شود پاک
رنگ یا بوی از آب خود	شدن تغییر مییابد آب جاری	باید آن	آب کمتر از گریز گردد و بیان حکم
بخود گریز و نام او که از آن	از طاعت که بجای آن	باران و نجس دارد	آب چاه بعد از این
آب مطلق گویند پاک و پاک	باشد یا طاعت اتصال	خواه بجز بیان پیش	بتفصیل خواهد شد
کننده باشد	گردد گویند	و دیگر	از این شده

جدول در بیان حکم آب چاه و آن چنانست که از برای هر نجاستی معین کرده اند که چه قدر		
آب باید کشیده تا چاه پاک گردد و چون آنقدر آب بکشند چاه پاک شود و از برای بعضی از		
نجاستها که معین شده و که چقدر آب باید کشیده تا چاه پاک شود اکثر علما بر آنند که تمام آب چاه را		
باید کشید پس اگر چاهی باشد که هر چند آب آنرا بکشند تمام نشود باید که چهار مرد ترا و کشتنی		
دو مرد آب بکشند تا مانده شود دو مرد دیگر بیایند و آب بکشند تا مانده شود و بعد از آن باز آن		
دو مرد اول آب بکشند و همچنین آب بکشند یک روز تمام از طلع آفتاب تا غروب چاه پاک گردد و اگر آب		
چاه تغییر شود نجاستی که او را مقدر می باشد پس اگر در شامی کشیدن آب مقدر تغییر او بر طرف شود		
باید که آب مقدر را بکشند و اگر آب مقدر را بکشند و هنوز تغییر باقی باشد آنقدر آب بکشند که		
تغییر او بر طرف گردد و حیواناتی که بعد از این در جدول مذکور میشود که اگر در چاه افتد فدان قدر آب باید		
کشید در صورتی که آن حیوان در چاه میرد و اگر زنده بیرون آید احکم ندارد و بچه حیوانی حکم بزرگ آن		
دارد و در کشیدن آب چاه		
اگر شتر در چاه افتد و میرد	اگر گاو در چاه افتد و میرد	اگر شتر آب چاه بریزد هر چند آنکه
تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید
اگر گاو کشید که در اصل روان باشد	اگر بوز در چاه بریزد	اگر خون حیض یا نفاس پس در
بچاه بریزد	چاه بریزد	
تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید
اگر خون استحاضه در چاه بریزد	اگر منی یا بوی از آن کشیده شود	اگر زرد چاه افتد و بوی از آن کشیده شود
تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید	بقدر یک کرا آب باید کشید

و از جمله نجاست پنجاست که در نماز معصومان و شستن آنها از برای نماز در کارست
و در این جدول بیان آنهاست

اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
کسی که جرات یا دلی	خوبی که کمتر از دهم	زنی که تربیت طبعی	جاری که مالایم	هر نجاستی که از ازاله
دشمن باشد که خون	یعنی باشد با آن خون	ناید و او را بعین	باشد بتنهائی	آن سفید باشد
از آن روان باشد	نار می توان کرد	یک جامه باشد	یعنی حوز را بجهت	نار با آن می توان
نه ایست پس با آن خون	در قسم طبعی را گفته	و آنجا می بولند	نپوشند شل	کرده مثل آنکه کسی را
نار می توان کرد و تفتی	مقدار بند بالای	آن طفل بخش شود	زیر جامه و بند چا	یک جامه باشد
و آن دل را جرات	است و بعضی گفته	در آن جامه صحیح	و عرقین و غیره اگر	و آن بخش شده
شود و احتیاج بشستن	مقدار گوی گفت	اما باید که در شب	بخش باشد نماز با	باشد و آب باشد
آن نیست هر چند که	دست و باید که	روزی بجای آنجا	می توان کرد	که آنرا بشوید
آن خون زیاده بر	آن خون غیر خون	بشود و گفته	و گفته اند هر چند	سر می سخی باشد
در هم پخته باشد	حیض و استسقاء	که افضل است	که بر همه نماز سوار	
و نفاس باشد و بعضی	نار نظر و عصر را در آن	و استخاضه و غیره	کرد با آن جامه	
گفته اند که غیر خون	وقت که در دو جامه	بخش شده باشد	اگر نماز کند نماز	
سنگ خون کافور	طهارت و هر چه	نماز صحیح است	او صحیح باشد	
خون باشد و غیر آن	نار در جامه پاک			
تیر خون باشد که در	بجا آورده باشد			

در میان حکم آب غسل و غسل حکم محل دارد پیش از آنکه او را بشویند یعنی برگاه که چیز نجی را بشویند
آبی که از شستن اول جدا شود اگر آن آب بدن یا جامه برسد آنرا دوبار باید شست و اگر
آبی باشد که بعد از شستن دوم جدا شود و بدن یا جامه برسد آنرا یکبار باید شست و این موافق
قول شیخ شهید علیه الرحمه است

در بیان حکم آبی که با آن وضو ساخته باشند و آبی که آنرا وضو استعمال کرده باشند هم پاکست
و هم پاک کننده یعنی مرتبه دیگر با آن وضو می توان کرد و ازاله نجاست نیز با آن توان نمود

در بیان حکم آب استنجاء و آب استنجاء آبی را گویند که با آن موضع غایط شسته باشند و آب
استنجاء پاکست برگاه که متغیر نجاست نشده باشد و اوقات نجاستی از خارج نگردیده باشد غیر نجی
مخرج غایط موافق قول محقق

در بیان حکم آبی که با آن غسل کرده باشند و آب قلی که آنرا غسل استعمال کرده باشند
پاکست بشرط آنکه بیشتر ازاله نجاست از بدن کرده باشند و ایما بر دیگر با آن آب رفع حد
می توان کرد و در آن خلافت و احوط آنست که بار دیگر با آن رفع حد نتوان کرد و برای تحقق آنست

در بیان حکم آب شسته بجنس اگر کسی را در ظرف آب باشد و یکی از آنها نجس شود و بر آن شخص
مشبه بشود نداند که کدام ظرف نجس و کدام پاکست واجبست که از هیچ کدام وضو نگیرد و اگر نداند
از آن دو آب آب دیگری داشته باشد باید که تیمم کند و وضو هیچ یک از آنها نسازد

در بیان حکم آب مشبه بمضاف و اگر دو آب باشد یکی مطلق یکی مضاف باشد بشود
گفته اند که از هر یک وضوی ملحقه باید ساخت از برای آنکه یکی از این دو وضو صحیح خواهد بود تا
شد احکام آنها و بعد از این بیان نمازهای واجب بیان مقدمات نماز خواهد بود بوقت تیمم

و اما نماز یا واجب است یا نیست و درین جایان نمازهای واجب شود و اقسام نماز واجب به هفت چنانکه درین جدول بیان شده

اول	دوم	سوم	چهارم
نماز پنج وقته شبانه روزی	نماز دو رکعتی در جمعه	نماز عیدین که در جمعه و عید است	نماز آیات یعنی گرفتاری آفت
که نماز پنج و ظهر و عصر و شام	آن نماز در روز جمعه	مبارک رمضان و روز عید قربان است	نماز در روز و بادای سرخ و خشن است
و خشن است	بجای نماز پیشین است	و سیاه و برف و آسمانی که باشد ترس باشد	
پنجم	ششم	هفتم	هشتم
نماز طواف خانه خداوند	نماز میت و شرط وجوب آن	نماز در مثل آنکه کسی نماز	نماز شبانه در مثل نمازی
تیر و در رکعت نماز است	آن نیز یک ازین	که در رکعت نماز یکا	که بعد از اقامت لازم گردد
و بعد از این تفصیل مذکور	تفصیل بیان خواهد شد	آورد و بعد از آن که در	یا کسی نماز میت را اقامه
میشود		آنها بجا آورد	که نمازی که از در غیبت
			و بر سر قنای آن لازم باشد

و آنچه تعلق نماز دارد بر دو قسم است یا واجب است یا نیست و در اینجا بیان واجبات میشود باب اول در مقدمات نماز یعنی چیزی چند که پیش از نماز بجا باید آورد و نماز صحیح باشد و آنشش چیز اند چنانکه مجلا درین جدول بیان آنها شده است

اول	دوم	سوم
طهارت و طهارت اسم است از بر طرف کردن نجاست از بدن	پوشاندن مردان و عورتین را و	
برای چیزی که سبب سلب بودن نماز	پوشاندن زنان جمیع بدن را	
گردد از وضو و غسل و تیمم	و جامه بیک از این که خواهد بود	
	ان شاء الله تعالی	
چهارم	پنجم	ششم
رعایت کردن وقت که بهر نمازی	رعایت مکان یعنی مکانی که در آن	رعایت قبله کردن یعنی باید که
را در وقت آن بجا آورد و بیان	نماز کند باید که مکانی باشد که نماز کند	قبله را معلوم کنند اگر معلوم نباشد
وقت نماز بعد از این خواهد شد	در آن صحیح باشد چنانکه بعد از این	در نماز استقبال آن کنند
ان شاء الله تعالی	بیان خواهد شد	چنانکه بیان خواهد شد

مقدمه اول در بیان طهارت که آن وضو و غسل و تیمم است و موجبات وضو و غسل چهارده چیز اند یعنی این چهارده چیز باعث وضو ساختن یا غسل کردن میشوند و از این جمله شش چیز باعث وضو ساختن گردد و چهار چیز باعث وضو و غسل باشد و دو چیز باعث غسل کردن گردد و چنانکه هر یک ازین جدول معلوم میشود :

جدول در بیان چیزهایی که باعث وضو ساختن میشود

اول	دوم	سوم	چهارم
بول که از موضع معذوبه	غایط که از موضع معذوبه	باد که از موضع معذوبه	خوابی که غلبه کند بر چشم
یا غیر موضع معذوبه که منقطع	و از نرسش بول که اگر غیر	و اگر موضع معذوبه	گوش که بر سینا و شوا
معذوبه شود چنانکه فقط	موضع معذوبه معذوبه	موضع معذوبه	باشد و الا آنقدر خوب
و اگر کرده اند	شود همان حکم دارد	شده باشد حکم وضو	که می باشد نه آن قدر
		معاذ دار و در هر	وضو باشد
پنجم	ششم	هفتم	هشتم
هر چیز که عقل را زایل کند	استحاضه قلیل و استحاضه	یقین در حدث و نكاح	یقین در حدث و وضو
خواهستی باشد و خواه	قلید است که خون منبر را	در وضو یقین دانند	در آنکه نام حسد بود
بیوشی و خواه دیوانگی	آلوده کند اما از آن	که حدث از وسوسه	یقین دانند که حدث از
	نگیرد و از او در نگذرد	و شك داشته باشد	سر زده و یقین دانند که
		در ساختن وضو	وضو ساخته اند شك کند
			در آنکه نام آنرا واقع شده

در بیان چیزهایی که باعث وضو ساختن و غسل میشود

اول	دوم	سوم	چهارم
حیض و قتل آن مردود	نفاس و آن غریبت باشد	استحاضه متوسطه و کثیره	رسانیدن حضری از اجنه
است و اکثر آن در روز	آید یا بعد از آن پیش از آن	و استحاضه متوسطه	را میت آدمی بر کافرخ

و خون که از سر و دست و روزه	نفاس نباشد و قبل آن خطا	که خون سپید را فرو گیرد	باشد یعنی بعد از مردن
حیض نباشد و غولی که	بود و اکثر آن در روز قبول	و از او در نگذرد و کثیر	سر شده باشد و او را
از او در نگذرد و آن زیاد	مشهور	است که از فیه در گذرد	غسل نماید یا غیر سید این
حیض نباشد			

در بیان چیزهایی که باعث غسل میشوند

اول	دوم
جنابت و آن وضو باطل کند اما موجب	موت یعنی هرگاه کسی بمیرد و سبمان
غسل باشد تنها و سبب آن دو چیز است یکی	باشد یا در حکم مسلمان واجبست که او را
انزال منی خواه در خواب و خواه در بیداری	غسل بپزند مگر شهید که او را غسل نباید داد
دوم چنان شدن خشفه قبل یا در وقتها	در خلاف کرده اند
در بیان موجبات تیمم یعنی اموری باعث	جدول در بیان چیزهایی که سبب وضو
تیمم میشود	و غسل و تیمم میشود غیر آن چیزها که پیشتر مذکور شد
و هر چیزی که سبب وضو ساختن یا غسل کردن کرد	و گاه هست که واجب میشود وضو یا غسل یا تیمم
باعث تیمم نمیکرد و اما وضوئی که وضو ساختن	تذریعاً حکم یا قسم یا کسی که عبادت منی اجاب کرد
غسل کردن مقدم نباشد پس آن چه رده چیز که	باشد یا مردی بمیرد و ناز او قضا شد باشد بر سر او
سبب وضو یا غسل اند سبب تیمم میشوند هرگاه وضو	بجا آوردن آن واجب گردد پس سبب هر یک این
ساختن یا غسل کردن مقدم و رتبه	امور وضو یا غسل یا تیمم واجب گردد

در بیان انوری که وضو یا غسل یا تیمم برای آنها باید کرد و آنهاست چه زن چنانکه درین
جدول بیان شده

اول	دوم	سوم
نماز کی چهارمین سجده فرماز میت که آنرا بی طهارت میتوان کرد با وجود جنابت حیض	طواف خانه کعبه که آنرا بی طهارت میتوان کرد مگر طواف سنت که آنرا بی وضو نمیتوان کرد	رسم نیدن عضو یا از اعضا را بخیط صحیح که آنرا نیز بی طهارت نیتوان کرد
در بیان اموری که از برای آنحضرت غسل باید کرد و اگر غسل نکردن مقتدر نباشد تتبع باید کرد و وضو درین سه صورت واجب است		
اول	دوم	سوم
اگر کسی جنب باشد یا از حیض یا نفاس پاک شده باشد غسل نموده باشد و خواهد که داخل مسجد کند یا بدین کرد و واجبست که غسل کند تا غسل آن دو سجده تواند شد و همچنین اگر زن استحاضه متوسطه یا کثیره داشته باشد و در غسل اغسال کرده باشد	برگذاهند جنب یا حیض یا زنی که حائضه نفاس باشد یا زنی که استحاضه داشته باشد غسل نکرده باشد و خواهد که گشت نماید هر سجده که باشد غیر نکرده بدین باید که غسل کند و اگر غسل نکردن مقتدر نباشد تیمم کنند تا رکعت در مسجد تواند نمود	برگذاهند جنب یا حیض یا زنی که حائضه نفاس باشد یا استحاضه داشته باشد و خواهد که سجده و عزیمت نمود یعنی سجده که سجده واجب دارد یا خواهد که بعضی از آن سجده را نخواد هر چند که یک آن باشد کمتر باید که غسل کند و اگر غسل نکردن مقتدر نباشد تیمم کند تا رکعت آن تواند نمود و اگر تیمم نیز مقتدر نباشد سجده که یک سجده که غسل کند

جائی کہ مخصوص نعل است و عضو تنمہ اذ خلقی نیست

و آن در صورتیست که جنب یا عارض یا صاحب نفاس پاک شده باشد یا نه که دستخاسته متوسط یا کشیده
و است باشد و خواهد که روزی یکبار که پیش از صبح غسل کند و اگر غسل کرد و معتدور نباشد
تعمیم کردن جنس از غسل واجب نیست و شیخ شهید علیه الرحمه میگوید که درین صورت اولی آنست که
تعمیم کند هرگاه که غسل کرد و معتدور نباشد.

جائی کہ مخصوص قسم است وضو و غسل را و خلعت

و آن در صورتیست که جنب یا حیض خوابند که از مسجد بکتاب مسجد میسر بیرون آیند باید که تنیم کنند
و بیرون آیند مثل آنکه کسی در یکی از آن دو مسجد بخوابد و مستقیم شود یا زنی در یکی از آن دو مسجد حیض
شود باید که تنیم کند و بیرون آید .

مقدمه اول نماز در بیان طهارت که آن اسم از برای وضو غسل و تیمم است
و واجبات وضو و آواز و غیر است

اول	دوم	سوم
فیت است و باید که فیت بستاند شستن ابتدای روزه باشد و در حکم فیت بودن تا خارج شدن از وضو -	شستن روزه در دستگاه موی سر نخ در طول و در عرض آنچه شست آنگشت میانی فرو گیرد و دو آب در شستن روزه بالا ببرد و آید	شستن دستها و باید که از آن پنجه شروع کرده تا سر انگشتان را بشوی و اول دست راست را بشوی بعد از آن چپ را و اگر چیزی مانع آید بشوید بشوید و شستن دست که از حرکت در آید باز او را

چهارم	پنجم	ششم
مسح کشیدن بر موی پیش سر بشره آن بقیه تری آب وضو کشیدن بر بقیه یک انگشت اگر باشد کافیت و جایز است در مسح سر که از پائین بالا رود	مسح بشو با دست از سر کشیدن تا بند پا بقدری که آزار مسح کشیدن کشیدن بر بقیه یک انگشت وضو باشد و سر او را راست کند اول پای راست را مسح کند و جایز است که از بند پا شروع کرده برآید بر پای چپ را	واجبست تری که اول بر پیشانی و بعد از آن دست راست را بعد از آن چپ و بعد از آن مسح سر و بعد از آن مسح پا و در پانز جون بعضی تری را شرط میدهند بهتر است که اول راست را مسح کند بعد از آن چپ را
هفتم	هشتم	نهم
مواظت آن که در پی کردن افعال وضوست بخشی که اعضا سابق خشک نشود که اگر خشک باشد مثل آنکه هوا گرم باشد و آب کم و اعضا را بشوید عضو دیگر	واجبست که وضو افعال وضو را بجا آورد و اگر کسی بگوید وضو و وضو بجا گردد و اگر او را عذری باشد مثل آنکه دستهای او مثل پاشنه بزرگ باشند	باید که آب وضو پاک باشد و هم پاک کند موانعی مشهور و کلاب و غیره اگر چه پاک اند اما پاک کنند نمیستند و باید که اعضای وضو بزرگ باشند
دهم	یازدهم	دوازدهم
باید که آب وضو سباج باشد اگر وضو آب جنبی سازد و اندک آن آب جنبی است وضو باطل گردد	واجبست که اگر آب جنبی که باید شستن باشد که دست را نکند و اگر آب وضو باشد که اگر وضو سازد و آن جنبی و اگر جنبی بود که چوبی که وضو سازد و اگر مکان	باید مکانی که وضو آن قرار گیرد سباج باشد اگر وضو سازد و آن جنبی و اگر جنبی بود که چوبی که وضو سازد و اگر مکان

جدول دوم در بیان غسل و واجبات آن و دوازده چیز است	اول
غیبت باید که غیبت مقارن باشد بشستن چیزی از سر اگر غسل تری باشد و مقارن باشد بشستن تمام بدن اگر غسل ارتقا باشد یعنی مقارن فرو رفتن بآب غیبت کند شستن بر گردن دست و آنچه در گوشها ظاهر باشد و رسانیدن آب بر موی که مانع باشد از رسیدن آب میسر	
سوم	شستن جانب راست و با فرابا هر طرفی که خواهد بشوید
چهارم	شستن جانب چپ هر چند با هر طرفی که خواهد بشوید و بهتر است که با هر دو طرف بشوید
پنجم	واجبست حرکت دادن چیزی که مانع باشد از رسیدن آب بشستن عضو دیگر که باشد مثل انگشت و غیره
ششم	حدث در انشای غسل بخندنه حدث اصغر و حدث اکبر
هفتم	باید که وضو افعال غسل را بجا آورد اگر تواند و اگر نتواند جایز است که کسی دیگر او را غسل دهد
هشتم	ترتیب چنانکه مذکور شد و بی در پی شستن اعضا در غسل تری و کار نیست
نهم	باید که آب غسل پاک باشد و مضاف نباشد و باید که اعضای غسل پاک باشند
دهم	باید که آب غسل سباج باشد اگر غسل کند آب جنبی و اندک آن آب جنبی است غسل باطل گردد
یازدهم	باید که آب بر اعضا جاری سازد که اگر دست از گردن گذارد و اعضا باطل غسل باطل گردد
دوازدهم	باید که مکان غسل سباج باشد و اگر در انشای غسل در عضو شک کند برگردد و وضو عضو و با بعد آزار بشوید
جدول سوم در بیان تیمم و واجبات آن و دوازده چیز است	اول
غیبت است باید که مقارن زدن دستها بر زمین غیبت کند بر حکم غیبت باشد تا فارغ اول	

دوم	باید که گفت هر دو دست را بر زمین نهد و اگر نتواند آنچه مقدر باشد از دستهای زمین نهد
سوم	مسح پیشانی نماید از دستگاه سوی سر تا طرف بالای جبهی و اگر تا طرف پائین جبهی مسح کند اول است
چهارم	مسح پشت دست راست نماید بگفت دست چپ از بند دست تا سر انگشتان
پنجم	مسح پشت دست چپ نماید بگفت دست راست از بند دست تا سر انگشتان
ششم	هر چیز که مانع باشد بیرون کند مثل انگشتر و کبیر و غیره
هفتم	مراعاتی معنی باید که افعال تیمم را بی بجا آورد و در میان آنها فاصله نکند
هشتم	ترتیب که اول دستها را بر زمین نهد و بعد از آن مسح پیشانی کند و بعد از آن مسح دست راست و بعد از آن دست چپ
نهم	خالی که بر آن تیمم میکند باید که پاک باشد و اعضای تیمم نیز پاک باشند و جایز است تیمم کردن بنگفت برای شهادت اول
دهم	باید که خالی که بر آن تیمم میکند مباح باشد که اگر دستها نجس باشد تیمم باطل گردد
یازدهم	مکانی که در وقت تیمم بر آن قرار گیرد باید که مباح باشد چنانکه در وضو گذشت
دوازدهم	مسح جبیه بگفت بر دو دست با هم نماید و مسح بر دستی بگفت آن دیگری و باید که تمام وضو مسح را فرود گیرد
اگر کسی شک کند در وضوی در اشای تیمم برگردد بآن حصه که شک کرده و آنچه بعد از آن باشد و شک	

در وضو نیز همین حکم دارد و تیمم باطل کرده سه گاه قدرت بوضو ساختن یا غسل کردن بهم رسد و اگر تیمم بدل از وضو باشد یکبار دست بر زمین بایند و اگر بدل از غسل جنابت باشد دو مرتبه اول دست بر زمین از بند مسح پیشانی نماید و بار دیگر دست بر بند مسح پشت دستها کند و اگر تیمم بدل از غسلهای دیگر باشد دو مرتبه تیمم باید کرد یک مرتبه بدل از غسل و یک مرتبه بدل از وضو و اگر میت را تیمم دهند سه مرتبه تیمم باید داد و سه بار را راست که تیمم را در آخر وقت بجا آورد و بعضی این را واجب میدانند

مقدمه دوم نماز بر طرف کردن نجاست از بدن و جامه است و واجبات آن سه چیز است و بیان احکام میت آنخلا است و واجبات آن دو چیز است چنانکه در این جدول بیان بر شده

اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
واجبت از نجاست	واجبت فشرک	واجبت عداستنا	واجبت بر کسی که	واجبت انحراف
عشر از بدن جامه	جامه بر کلاه که آنرا	یعنی بعضی را یکبارستن	بیت انحراف و وضو	از قبیل نماید بعد از تیمم
برای نماز پاک	در مجرای کبیر میباید	کافیت و بعضی را	را بپوشاند و گفته اند وضو	یعنی و قبله و پشت
د پاک کنند و چنانچه	در صورتی که بدل	دو بار باید شست	و از آن محرم باید پوشید	قبله در میت آنخلا
در مقدمه کتاب	مجبی نجس نشده باشد	بعضی است مرتبه چنانچه	و پوشانیدن از غسل	نشیند و ایضا
مذکور شد	چنانکه مذکور شد	بیشتر مذکور شد	بی تمیز لازم نیست	در بعضی تصریح کرده است
مقدمه سوم نماز در بیان پوشیدن عورت و لباس نماز گذار است و واجبات آن هشت چیز است چنانکه درین جدول بیان شده				
اول واجبست بر مرد که در نماز عورتین را بپوشاند خواه ناخرمی باشد و خواه نباشد و چنانچه				

اگر نماز تارکیت و تنها نماز کند و گفته اند مرا و از عورة قبل و در بر و خصی است	
دوم	واجب است بر زن و خنثی که جمیع بدن را در نماز بپوشانند بغیر رو و کف و دستها و پاهای و اگر زن بنده باشد پوشیدن سر واجب نیست بشرطی که هیچ چیز از ارادت نباشد
سوم	واجب است در سائر که پاکی باشد مگر آن پنج صورت که در مقدمه کتاب مذکور شد که نجاست آنها نجس شده است و با آن نماز میتوان کرد
چهارم	واجب است که پوست میته نباشد و بعضی گفته اند که اگر پوست میته را باغی کند پاک میکند اما همه قائل اند که بان نماز نمیتوان کرد
پنجم	پوست و چشم و مو و کرک حیوانی نباشد که گوشت احرام باشد هر چند که آن حیوان پاک باشد مثل شیر و غیره مگر خمر خالص و سباب که با وجود آن گوشت آنها حرامست نماز در پوست آنها جایز است
ششم	باید که سائر غضبی نباشد که نماز در جارد غضبی جایز نیست و محقق گفته که اگر صاحب حیوان اذن دهد غیر غاصب یا غاصب با وجود غضبیت نماز در آن صحیحست
هفتم	باید که لباس مرد و خنثی ابریشم خالص نباشد که در روز جنگ یا از برای ضرورت و یا که لباس مرد و خنثی طلا نباشد و زن را نماز در ابریشم خالص و طلا تجویز کرده اند
هشتم	چیزی که پشت یا پوشتان باید که ساق داشته باشد هر چند که ساق او کوتاه باشد و گفته اند که نماز در چیزی که پشت یا پوشتانند ساق نداشته باشد جایز نیست
مقدمه چهارم در بیان رعایت وقت و در اینجا بیان وقت پنج نماز یومیه میشود چنانکه در جدول است	

اول وقت	وقت زوال است و معلوم میشود زوال بطاهر شدن سایه از طرف مشرق و آخر وقت آن وقتیست که داخل شدن نماز مغرب مقدار نماز عصر باقی ماند	
اول وقت	وقتی است که از نماز ظهر فارغ شود و آخر وقت آن وقتی است که وقت نماز مغرب داخل شود یعنی آفتاب غروب کند	
اول وقت	وقتی است که سرخی طرف مشرق برطرف گردد و آخر وقت آن وقتیست که بنصف شب مقدار نماز خفتن باقی مانده	
اول وقت	وقتی است که از نماز شام فارغ شود و آخر وقت آن نصف شب است که اگر نصف از شب بگذرد و نماز مغرب نگردد و باشد قضا باید کرد	
اول وقت	طلوع صبح صادق است که صبح دوم نیز گویند و آخر وقت نماز صبح طلوع آفتاب است که چون آفتاب طلوع کند نماز صبح قضا کرده	
مقدمه پنجم رعایت مکان نماز است و در آن سه چیز واجب است چنانکه درین جدول بیان شده		
اول	دوم	سوم
اگر نجس نباشد که نماز در مکان نجس است	باید که نجس نباشد اگر محل سجده باشد مکان محل سجده باید که نجس نباشد	محل سجده باید که نجس نباشد
باید که نجس نباشد اگر نجس باشد باید که نجس نباشد	سایر اعضا اگر نجس باشد باید که نجس نباشد	یا چیزی که از زمین روییده
اگر نجس باشد باید که نجس نباشد	سایر اعضا اگر نجس باشد باید که نجس نباشد	اما باید که نجس نباشد
بر آنکه که نماز غاصب با وجود اذن پاک	باید مطلقا پاک باشد و سایر اعضا باید که نجس نباشد	خوردنی و پوشیدنی نباشد
صحیح نیست و بعضی صحیح میدانند	نجاست برایت نمکند	نجاست

نقد هشتم نماز عایت قبله است و در آن سه چیز معتبر است چنانکه درین جدول بیان شده

اول	باید که نماز گزار متوجه قبله شود اگر علم بان داشته باشد و اگر علم نداشته باشد باید که بعلامات جهت قبله را معلوم کند و علامات بعضی از بلاد در جدول بعد ازین مذکور میشود
دوم	هرگاه که علامات معقود شوند مثل آنکه ابری باشد که ستارگان نمایان نباشند باید که تقلید کند و گفتار باید که تقلید عاقلی کند که داننا باشد بعلامات خواه مرد باشد و خواه زن
سوم	باید که هر یک از نماز گزار دو چهار طرف بگذارد اگر جهت قبله را نداند و اگر وقت تنگ باشد نماز را در دو سه طرف که بگذارد و محرم نیست در دو چهار طرف نماز کردن در کمال نیست

جدول در بیان علامات قبله چند بلده که در الفیه مذکور است و آنها درین جدول بیان شده

علامت قبله	آنست که بعد از نماز در وقت ارتفاع یا در وقتی که در عایت پستی باشد پس دو شمس را
اهل عراق	گیرند و مغرب را بطرف راست و مشرق را بطرف چپ مقابل عراق عجم این کنند
علامت قبله	آنست که طلوع سبیل را میان چشمها و بعد از آن در برکت چپ غایب شدن شمس
اهل شام	پشت گوش راست گیرند و اهل یمن عکس این کنند

علامت قبله	آنست که بگردانند ثریا را بطرف راست و عیون را بطرف چپ و گفته اند که ثریا را
اهل مغرب	عیون را در وقت طلوع عثمان بطرف راست و چپ گیرند و اهل مشرق عکس این کنند

پس این شخصت واجبست که مقدم است بر نماز خواه نماز گزار در سفر باشد و خواه در حضر که این شخصت چیز واجب اند و در سفر و حضر تفاوت نکند اگر چه بعضی از آنها بدل اند از بعضی دیگر مثل تخم که برست از وضو و غسل پس اگر کسی سبب ضرورتی تخم کند بدل از غسل و اجابت غسل فقط کرده و همچنین وضو

جدول در بیان احکام نماز مسافر و شرطی که باعث قصر نماز می شوند

بدانکه سفر باعث قصر نماز میشود و بجهت شرط که بعد از این مذکور میشود و قصر یعنی دو رکعت کردن نماز یا چهار رکعتی که آن نماز در عصر و صبح است و نماز صبح و شام در سفر و حضر تفاوت نکند و مسافر هرگاه که تمام وقت نماز را فرنگد نماز را قصر باید کرد خواه نماز ادا باشد و خواه قصر پس اگر وقت نماز داخل شود و کسی هنوز به سفر نزده باشد و مقدار طهارت نماز تمام بگذرد باید که نماز را تمام بگذارد و هر چند که بعد از آن به سفر رود و همچنین اگر بوطن باز آید و از وقت مقدار طهارت دیگر کفایت نماز باقی مانده باشد باید که نماز را تمام کند و اگر نماز در حضر قصر شده باشد و در سفر قصری آن را بجا آورد باید که تمام کند و اگر در سفر قصر شده باشد و در حضر قصری آنرا بجا آورد باید که قصر کند و سفر باعث قصر نماز است در غیر چهار موضع اول مسجد که دوم مسجد مدینه سوم مسجد کوفه چهارم حایر کر بلائی معلا پس در غیر این چهار موضع قصر نماز واجب است و شرطهای قصر نماز پنج چیز است چنانکه درین جدول بیان هر یک از آنها میشود بدون التماس

شرط اول قصد مسافت است و آن رشت فرسخ شرعی است پس اگر قصد فرسخ رشت فرسخ است باشد یا قصد فرسخ چهار فرسخ داشته باشد و خواه که در میان روز یا میان شب برگردد باید که قصر نماز کند

شرط دوم باید که از موضع اقامت آنقدر دور شود که آواز اذان و دیوار یا پشت دیده شود پس هرگاه که قصد رشت فرسخ داشته باشد و این مقدار از موضع اقامت برود باید که نماز را قصر کند

شرط سوم باید که مسافر مباح باشد که اگر مسافر مصیبت باشد قصر نماز نیز آن کرد هر چند که قصد فرسخ یا زیاده بر آن داشته باشد و از محل اقامت آنقدر دور شود که دیوار یا اذان پوشیده شود

شرط چهارم آنکه مسافره در آنجا مسافر بولن خود نرسد و همچنین اگر قصد ماندن در روز دارد

غیر وطن نماید باید که نماز را تمام کند و اگر کسی سی روز در جایی بماند و در ماندن آنجا تردد داشته باشد چون سی روز بگذرد باید که نماز را تمام کند هر چند یک نماز باشد

شرط پنجم آنست که کثیر السفر نباشد و کثیر السفر را دو طریق گفته اند یکی آنست که سه سفر کند و در میان آنها ده روز در جایی اقامت نکند و قول دیگر کثیر السفر کسی باشد که در عرف او را کثیر السفر گویند مثل طایح و مکاری پس مادام که کثیر السفر باشد قصر نماز نکند

باب دوم بیان مقادیر نماز یعنی افعال نماز و آن هشت چیز است :

اول نیت دوم تکبیر احرام سوم قرائت چهارم قیام پنجم رکوع ششم سجود هفتم تشهد هشتم تسلیم و بیان هر یک بعد از این تفصیل خواهد شد

در بیان واجبات رکعت اول نماز و در رکعت اول نماز شصت و یک چیز واجبست

خواه نماز در رکعتی باشد و خواه سه رکعتی و خواه چهار رکعتی اول نیت است و صفت نیت اینست که نماز فرض نکریم بکدام مثلاً او یا قضا واجب تقریب بخدا و باید که این را در خاطر گذارد

و گفتن این لفظ در کار نیست بلکه گفتن این الفاظ مکروهست و واجبات نیت هفت چیز است

دوم تکبیر احرام است یعنی گفتن الله اکبر بعد از نیت بی فاصله و واجبات آن یازده چیز است

سوم قرائت یعنی خواندن حمد و سوره بعد از تکبیر احرام و واجبات آن شانزده چیز است

چهارم قیام یعنی ایستادن و باید که در حال نیت و تکبیر احرام و قرائت ایستاده باشد و واجبات آن چهار چیز است

پنجم رکوع و بعد از قرائت برکوع باید رفت و واجبات رکوع نه چیز است

ششم سجود یعنی بعد از رکوع دو سجده باید کرد و واجبات سجود چهارده چیز است و مجموع این واجبات شصت و یک چیز میشود پس در رکعت اول این شصت و یک چیز واجبست و بیان آنها

تفصیل در این پنج صفت اول میشود و چون الله تعالی

اول باید که در حال نیت و تکبیر و قرائت ایستاده باشد و واجبست که راست بایستد که اگر در حال اختیار پیش را خم کند نماز باطل است

دوم ایستادن یعنی در حال ایستادن تکبیر بر چیزی نکند که اگر تکبیر بر چیزی نکند در حال اختیار کمر را

سوم استقرار یعنی قرا اگر فرق پس اگر راه رود و یا بر راه باشد هر چند که آنرا بسته باشند در حال اختیار نماز باطل گردد

چهارم باید که قدمها نزدیک یکدیگر باشد که اگر از هم دور کرد و باشد بختی که از خدا ایستادن برود و نماز باطل گردد

پنجم نیت کند و واجب است در آن قصد بجا آوردن نماز معین کند از ظهر و عصر و غیره یعنی معین کند که کدام نماز است که بجای آورد

ششم قصد و جوب کند اگر نماز واجب باشد و نماز سنتی قصد سنت باید کرد

هفتم قصد او کند هرگاه که نماز را در وقت خود بجا آورد

هشتم قصد قضا کند هرگاه که نماز را در خارج وقت بجا آورد

نهم قصد قربت کند یعنی نماز را بجای آوردم از برای قربت بخدا تعالی

دهم باید که نیت را مقارن گزاید با تکبیر احرام یعنی بعد از نیت بی فاصله تکبیر احرام

یازدهم واجبست بر حکم نیت بودن تا فارغ شدن از نماز و قصد منافی نماز نکند

دوازدهم بعد از نیت تکبیر احرام بگوید و واجب است تلفظ کردن بآن یعنی الله اکبر را بزبان بگوید

چهل و یکم	باید که ذکر را بعد از سجده بگوید که اگر آنرا ترجمه کند باطل گردد و گفته اند در حال اضطراب ترجمه جایز است
چهل و دوم	باید که ذکر را بی فاصله بگوید که اگر فاصله است بجهت آنکه از حد ذکر بیرون رود باطل گردد
چهل و سوم	باید که بقدر ذکر تکرار بکند که اگر شروع کند ذکر پیش از آنکه سجده رکوع رسد یا ذکر را در حال سر برداشتن از رکوع تمام کند باطل گردد
چهل و چهارم	باید که ذکر را چنان بگوید که خود آنرا بشنود و اگر کر باشد چنان بگوید که اگر گویندی
چهل و پنجم	باید که سر از رکوع بردارد که اگر سر از رکوع برنداشته مسجود رود و نماز باطل گردد
چهل و ششم	باید که بعد از سر برداشتن از رکوع قدری ساکن شود و آنرا احدی نمیباید بلکه مستای آن کافیت
چهل و هفتم	باید که سکون بعد از سر برداشتن از رکوع را طول ندهد که اگر آنرا طول ببرد بجهت آنکه از مصطفی بودن بیرون رود و نماز باطل گردد
چهل و هشتم	بعد از رکوع سجده کند بر پشت حصه که آن پیشانی و کف دستها و زانوها و شصتهای پا است
چهل و نهم	باید که سنگینی خود را بر کل این هفت عضو اندازد که اگر بر بعضی مطلقا سنگینی ننهد نماز باطل گردد و همچنین اگر سجده کند بر چیزی که بر آن قرار نتوان گرفت مثل برف و فیه و غیره
چهل و دهم	باید که پیشانی را بر چیزی که اندر آن سجده کردن بر آن صحیح باشد و آن در جهت مکان گذشت

پنجاه و یکم	باید که محل سجده با محل ایستادن مساوی باشد که اگر غلبه تر یا پست تر باشد زیاده بر خشتی باطل گردد و قدح شست را چهار انگشت بهم چسبیده گرفته اند
پنجاه و دوم	باید که عضو سجده را بقدری بگذارد که گذاشتن عضو بر آن صادق باشد که اگر کمتر از آن گذارد باطل گردد
پنجاه و سوم	ذکر سجود را بگوید و آن شبخانه ربی الاصلی و بجهت آنکه مرتبه سبحان آمده و اگر مضطرب باشد یکبار سبحان آمده گفتن کافیت
پنجاه و چهارم	باید که بقدر ذکر قرار گیرد که اگر شروع در ذکر کند پیش از رسیدن سجده و یا بر بردارد پیش از تمام کردن ذکر باطل گردد
پنجاه و پنجم	باید که ذکر را بعد از سجده بگوید که اگر آنرا در حال اختیاری ترجمه کند باطل گردد
پنجاه و ششم	باید که ذکر را بی فاصله بگوید که اگر فاصله کند در میان کلماتی آن عذاب بجهت آنکه از مصطفی بودن بیرون رود و نماز باطل گردد
پنجاه و هفتم	باید که ذکر را چنان بگوید که خود آنرا بشنود و اگر کر باشد چنان بگوید که اگر گویندی
پنجاه و هشتم	سر برداشتن از سجده است و گفته اند که سر برداشتن از سجده باید که بجهت سر برداشتن باشد
پنجاه و نهم	باید که بعد از سر برداشتن از سجده اول قدری ساکن شود و این بعد از سر برداشتن از سجده دوم واجب نیست
شصت و یکم	سکون بعد از سجده اول را طول ندهد و باید که دو سجده بجای آورد و مجزئ نیست یک سجده زیاده بر دو سجده جایز نیست و سجده دوم نیز مثل اول است

تمام شد شصت یکت واجب رکعت اول نماز بعد از این بیان واجبات رکعت دوم میشود
و اگر نماز گذار مرد باشد باید که در دو رکعت نماز صبح و در دو رکعت اول نماز شام و خشتن و شستن
بلند بخواند و در باقی آیه است بخواند و زن در تمام نماز باید که آیه است قرائت کند خواه نماز صبح و خواه
و خواه خشتن و خواه ظهر و خواه عصر

واجبات رکعت دوم نماز چهل و چهار چیز است چون تشهد و تسلیم را داخل رکعت
نمیدانند اما از واجبات نماز میدانند و واجبات تشهد نیز چیز است چون ضلوه
شود و پنجاه و سه چیز میشود و اگر نماز دو رکعتی باشد واجبات سلام نیز اضافه شود
و آن نیز نه چیز است پس واجبات نماز دو رکعتی شصت و دو چیز میشود چنانکه درین
جدول بیان شد

اول	استدانت حکمیت یعنی بر حکمیت باقی بودن و باقی واجبات نیست و تکبیر احرام در این رکعت ساقط میشود
دوم	قیام است باید که در حال قرائت قائم باشد و واجبست در قیام انصباب یعنی راست ایستادن که اگر در حال اخت یا ریش را خنم کند باطل گردد
سوم	واجب است در قیام استقلال یعنی تکیه نکردن بر چیزی که اگر در حال اخت یا تکیه کرد بر چیزی باطل گردد
چهارم	استقرار یعنی آرام گرفتن که اگر راه رود یا بر احد باشد هر چند که او را بسته باشد یا بر روی چیزی بایستد که قدم بر آن قرار نگیرد و در حال اخت یا باطل گردد
پنجم	باید که قدمها نزدیک هم باشند که اگر از هم دور باشند بقدری که اخت

ششم	ایستادن بیرون رود باطل گردد
هفتم	خواندن حمد و سوره و درین رکعت نیز خواندن حمد و سوره هر دو با هم واجب است رعایت نمودن اعرابها و شدیدا بروحی که متواتر است که اگر قرائت کند بغیر آن شاذ و باطل گردد
هشتم	بی ناصد خواندن الحمد و آیه ابرو چه متواتر که اگر سکوت طویل کند یا در آشنای حرکت غیر حمد و سوره چیزی دیگر بخواند باطل گردد
نهم	رعایت کند که وقت بر آخر کلمه واقع شود و محافظت کند نظم کلام را که اگر گشت بر هر کلمه باطل گردد
دهم	بلند بخواند در جای که بلند باید خوانده آیه است بخواند در جای که آیه است باید خواند چنانکه میشتر گذشت
یازدهم	حمد را بر سوره مقدم دارد که اگر عجزاً سوره را پیش از حمد بخواند باطل گردد و اگر اراده فراموشی چنین کند باید دیگر بعد از حمد سوره بخواند
دوازدهم	بسم نه و داخل هر یک از حمد و سوره بگوید که اگر عجزاً ترک گفتن بسم نه کند باطل گردد
سیزدهم	بعد از حمد یک سوره بخواند که اگر دو سوره را متعارف کند بقولی نماز باطل گردد و بعضی این را کرده میدانند و بعضی حسام
چهاردهم	هر یک از حمد و سوره را تمام بخواند که اگر تعقیض کند در حال اخت یا باطل گردد
پانزدهم	سوره که بعد از حمد بخواند سوره غزیه باشد و سوره نباشد که سبب خواندن آن وقت مذکور شود

شماره اول	قصه بسم الله از برای سوره معین ناید پس از حمد مگر آنکه سوره معین بر ملازم شد
هفتم	قتل از سوره یسوره دیگر نکند هرگاه که از نصف آن سوره گذشته باشد و از سوره یسوره بعد از حمد مطلق نقل کند مگر در نماز جمعه و ظهر جمعه
هجدهم	اخراج هر حرفی از پنج منقول ناید که اگر صادر از پنج خلایق یا لام را کند و بگوید باطل گردد
نوزدهم	حمد و سوره را بر زبان عربی بخواند که اگر آنرا بر زبان دیگر ترجمه کند و بخواند باطل گردد
بیستم	ترک گفتن آمین کند و اگر در جایی باشد که تقیه باید کرد گفتن آمین جایز است
بیست و یکم	رعایت ترتیب حمد و آیه ناید بر وجهی که متواتر است
بیست و دوم	بعد از قرائت بر کعبه رود و واجب است آنقدر حمد شود که دستها برانداخته باشد اما گذاشتن دستها برانداخته واجب نیست
بیست و سوم	گفتن ذکر رکوع است آن سبحان ربی العظیم و حمد است یا سبحان الله مرتبه بگوید یا کم مرتبه سبحان الله بگوید اگر مضطر باشد
بیست و چهارم	ذکر رکوع را بعد از بگوید که اگر ترجمه کند آنرا در حال خستیا باطل گردد
بیست و پنجم	ذکر رانی فاصل بگوید که اگر فاصل کند میان الفاظ آن بچینی که از حد ذکر میرفت رود باطل گردد
بیست و ششم	قرار گرفتن بعد از ذکر که اگر شروع در ذکر کند پیش از رسیدن بعد رکوع یا تمام کند آنرا بعد از سر برداشتن باطل گردد
بیست و هفتم	ذکر اچنان بگوید که خود آنرا بشنود و اگر که باشد چنان بگوید که اگر شنوا بروی می شنید

و این تقدیر راست	
بیست و هشتم	سر برداشتن از رکوع که اگر بخود رود و کسر از رکوع بر نداشته باشد باطل گردد مگر اگر الله فراموش کرده باشد
بیست و نهم	بعد از سر برداشتن از رکوع قدری ساکن شود و آنرا احدی نیست بلکه سمای آن کلاه
سی و ام	سکون بعد از سر برداشتن از رکوع را طول نهد که اگر آنرا طول دهد بخدی که از نماز گذاردن بیرون رود نماز باطل گردد
سی و یکم	بعد از رکوع بسجود رود و واجبست سجده کردن بر هفت عضو چنانکه در رکعت اول نماز مذکور شد
سی و دوم	باید که سنگینی خود را بر کل این هفت عضو اندازد که اگر بر بعضی مطلق سنگینی بیندازد باطل گردد چنانکه پیشتر بیان شد
سی و سوم	پیشانی را بر چیزی گذارد که سجده کردن بر آن صحیح باشد چنانکه در سجده بخان مذکور شد
سی و چهارم	محل سجده باید که با محل ایستادن سادی باشد اگر بلند تر یا پس تر باشد باید زیاده بر یک شست نباشد و آنرا گفته اند که چهار انگشت بهم چسبیده است
سی و پنجم	گذاشتن اعضای سجده بر زمین بعت ری باید که گذاشتن بر آن صادق باشد که اگر کمتر باشد باطل گردد
سی و ششم	ذکر سجود آن سبحان ربی الاعلی و بجزیده یا سه مرتبه سبحان الله است و اگر مضطر باشد یک مرتبه سبحان الله کافیت
سی و هفتم	قرار گرفتن بعد از ذکر در حال سجده که اگر سر بردارد پیش از تمام شدن ذکر یا شروع کند

۴۲		که خوب شود و اگر کر باشد یا نانی باشد چنان گوید که اگر گزید یا نانی نبود می شنیدی
اگر نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی باشد بعد از تشهد بر خیزد بر رکعت سوم و اگر نماز دو رکعتی باشد بعد از تشهد باید که تسلیم بجا آورد و این جدول در بیان تسلیم است و واجبات آن نیز چیز است چنانکه درین جدول بیان شده		
اول	نشستن از برای تسلیم و گفته اند اگر در حال خست یا رعدا ترک نشستن کند نماز باطل گردد	
دوم	قرار گرفتن بعد از تسلیم که اگر آن را واقع سازد بدون طمأنینه عمدت در حال خست یا نماز باطل گردد	
سوم	رعایت ترتیب کند میان لمحات آن که اگر عمدت ترتیب میان لمحات آن بجا نیاید و نماز باطل گردد	
چهارم	باید که آن را بر می گوید و اگر بر می آن را نداند و وقت نماز شک باشد و آن را بیاموزد نماز فوت شود ترجمه میتوان کرد	
پنجم	باید که تسلیم بعد از تشهد بجا آورد و واجب نیست قصد بیرون آمدن از نماز هر چند که اگر قصد کند احوط است	
ششم	مواالات یعنی بی فاصله لمحات آن را بگوید و گفت اند که اگر عمدت فاصله کند میان لمحات آن بطلای نماز باطل گردد	
هفتم	واجب است که یکی ازین دو عبارت را بگوید یا بگوید اسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته و یا بگوید السلام علینا وعلی آبائنا وعلی انبیائنا وعلی الصالحین و اگر عبارت اول را بگوید اولی است از برای آنکه سبب بیرون آمدن از نماز است بی خلاف	

۴۳		رعایت کند آن چیزی را که مذکور شد که اگر سلام را نکرده یعنی الف لام آنرا بخواند یا رحمت راجع کند که رحمت گوید یا برکات ابرکت گوید عمدت نماز باطل گردد
نهم		برکت از آن دو عبارت را که اول یا گوید بهمان قصد بیرون آمدن از نماز کند که بدوی قصد کند جایز نیست و واجب است که سلام را چنان گوید که خود بشنود هر چند نقتدیر باشد
تمام شد نماز دو رکعتی و واجبات آن صد و میت و سه چیز است چنانکه تفصیل مذکور شد و اگر نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی باشد بعد از تشهد پیش از تسلیم بر خیزد بر رکعت سوم و واجبات رکعت سوم هر گاه که قرائت حمد کند سبی نه چیز میشود از برای آنکه واجبات خواندن سوره ساقط میگردد و بیان واجبات آن را نیز در جدول بنمایم هر چند ذکر آن موجب تکرار میشود اما چون باید و رکعت اول تفاوت دارد ذکر آن نمودم و جدول رکعت سوم نماز اینست		
اول	قیام و باید که در حال قرائت ایستاده باشد تا آنکه بر کعبه رود و واجب است ایستادن و در حال خست یا رخت را ختم نکردن	
دوم	استقلال یعنی نمیه بر چیزی نکند در حال خست یا رخت	
سوم	استقرار یعنی آرام گرفتن که راه نرود و بر احد نباشد چنانکه مذکور شد	
چهارم	نزدیکی قدمها که قدمها از هم دیگر بسیار دور نباشد چنانکه گذشت	
پنجم	استدانت حکم نیست یعنی قصد چیزی که مافی نماز باشد نکند	
ششم	خواندن حمد تنها بدون سوره	

بیت هفتم	رعایت اعراب باشد و در هر دو جمله متوالی
بیت هشتم	رعایت ترتیب کلمات و آیه ها بر وجه متوالی
بیت نهم	موالات یعنی بی در پی خواندن و فاصله نکردن
بیت دهم	واقع ساختن و قضا بر آیه ها و محافظت نظم کلام
بیت یازدهم	آیه خواندن قرائت خوانه مرد باشد و خواندن
بیت دوازدهم	بسم الله در اول حمد گفتن
بیت سیزدهم	اگال حمد یعنی تمام خواندن آن
بیت چهاردهم	افراج حروف از مخارج معتبر نمودن
بیت پانزدهم	تلاوت نمودن حمد بستر بی ترجمه نکردن
بیت شانزدهم	ترک آیین گفتن که در صورت تقیة
بیت هجدهم	رکوع کردن یعنی خم شدن بکسی که دستها برانداخته باشد
بیت نهمین	گفتن ذکر رکوع چنانکه پیشتر مذکور شد
بیت دهمین	بعرب گفتن ذکر ترجمه نکردن در حال احتیاط
بیت یازدهمین	موالات یعنی فاصله نکردن در میان اجزای ذکر
بیت بیستم	قرار گرفتن بستر تمام شدن ذکر
بیت بیست و یکم	شوانیدن ذکر نفس خود را هر چند وقت را باشد
بیت بیست و دوم	سر برداشتن از رکوع بعد از تمام شدن ذکر
بیت بیست و سوم	قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع

بیت بیست و چهارم	طمانینه بعد از رکوع را بسیار طول ندادن
بیت بیست و پنجم	بجود رفتن و سجده کردن بر عفت عصبه
بیت بیست و ششم	تحب کردن بر اعضا و استخوانی خود را بر محل آیه ها از سخن
بیت بیست و هفتم	که آشتن میانی بر چیزی که سجده کردن بر آن صحیح باشد
بیت بیست و هشتم	مسای بودن محل سجده با محل ایستادن
بیت بیست و نهم	گذاشتن عضو بر زمین بکسی که گذاشتن بر آن صادق باشد
بیت سی و یکم	ذکر معتبر سجده را گفتن چنانکه گذشت
بیت سی و دوم	قرار گرفتن در حال سجده بکسی که ذکر
بیت سی و سوم	بعرب گفتن ذکر ترجمه نکردن آن
بیت سی و چهارم	موالات در ذکر یعنی فاصله نکردن در آن
بیت سی و پنجم	شوانیدن ذکر نفس خود را هر چند وقت را باشد
بیت سی و ششم	سر برداشتن از سجده که بکسی که بکسی رسد
بیت سی و هفتم	قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از سجده اول
بیت سی و هشتم	طمانینه مذکور را بسیار طول ندادن
بیت سی و نهم	سجده دیگر مثل سجده اول بجا آوردن

اگر نماز چهار رکعتی باشد بعد از سجده دوم برخیزد رکعت چهارم و اگر نماز سه رکعتی باشد بعد از سجده دوم بنشیند و تشهد و تسلیم بجا آورد چنانکه در رکعت دوم بیان شد پس واجبات نماز سه رکعتی باشد تشهد و تسلیم صد مرتبه و یک چیز می شود و رکعت چهارم نیز مثل رکعت سوم است الا آنکه در نماز

سه رکعتی در رکعت سوم تشهد و تسليم بجا آید آورد و دو نماز چهار رکعتی بکند از رکعت چهارم و در
سایر واجبات تفاوت نمند پس در نماز چهار رکعتی دو نیست و نه چیز واجب خواهد بود هرگاه
که قرائت حمد کرده شود و جایز است که در رکعت سوم و چهارم بجای حمد تسبیحات اربع بخواند و
تسبیحات اربع اینست **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ** یک روایت است
که این مجموع را یک مرتبه گویند که چهار تسبیح گفته شود و روایت دیگر آنست که سه مرتبه این را گویند
اما هر مرتبه الله اکبر را گویند که تسبیح گفته شود و روایت دیگر آنست که سه مرتبه گویند اما در
مرتبه اول دوم الله اکبر را گویند و در مرتبه سوم گویند که تسبیح گفته شود و روایت دیگر آنست
که مجموع را سه مرتبه گویند که دو از ده تسبیح گفته شود و محقق صورت آخر را احوط میدانند و واجب است
که اگر بجای حمد تسبیح بخوانند ترتیب مولات بجا آورد و بعد از تسبیحات را گویند و آیه سه گویند
و این جمیع واجبات نماز است و اگر خواهند که آنها را بشمارند چنین است که درین جدول بیان شده

واجبات رکعت اول نماز	واجبات رکعت دوم نماز
شصت و یک چیز است	چهل و چهار چیز میشود و تسبیح
واجبات رکعت سوم نماز	واجبات رکعت چهارم نماز
سی و نه چیز میشود و تسبیح	سی و نه چیز و تسبیح
و اگر بجای حمد در رکعت سوم و چهارم تسبیح بخوانند در هر رکعتی سی و دو چیز واجب خواهد بود	
واجبات نماز دو رکعتی با	واجبات نماز سه رکعتی با
تسبیح و تسليم	تسبیح و تسليم
صد و بیست و سه چیز است	صد و هفتاد و یک چیز است
صد و بیست و سه چیز است	صد و بیست و سه چیز است

پس در پنج نماز شبانه روزی در هر مصلحت و نیست چهار چیز واجب است
و واجبات این پنج نماز در سفر سیصد و شصت است چیز میشود چون در رکعت آخر نماز ظهر
عصر و عقیق ساقط میشود

و اگر در رکعتی آخر نماز تسبیح بجای حمد بخواند شصت و هفتاد و پنج چیز واجب میشود
و نیست پنج چیز منافیات نماز اند که بعد از این مذکور میشود چون آنها را با واجبات
نماز جمع کنند هزار و نه چیز میشود و از برای آنکه شصت چیز مقدمات نماز اند و
بیست و چهار چیز مقارنات یعنی افعال نماز و بیست و پنج چیز منافیات این مجموع
هزار و نه چیز میشود تمام شده واجبات نماز یازده و بعد از این خلی که در نماز واقع شود
بیان میکنم و منافیات نیز در ضمن آن بیان خواهد شد بتوفیق خدای تعالی و چون منافیات
چند چیز را با هم یک منافی شمرده اند بیست و پنج چیز میشود و اگر هر یک را علیحد بشمار
بیشتر میشود و فقیر بر یک را علیحد بیان نمودم

باب سوم در بیان احکام خلی که در نماز واقع شود و آن بر چند قسم است
چنانکه بعد ازین مذکور میشود و اول در اینجا بیان چند چیز میکنم که دانش آنها ضرر است و باید
داشت که چیزی نماند که در نماز رعایت آنها در کار است یا داخل در حقیقت نماز است یا خارج
از نماز است و آنکه داخل در حقیقت نماز است یا رکن است یا واجب غیر رکن
و رکن آنست که بسبب زیادتى و کمی آن عذر و سزا غالباً نماز باطل گردد و بیان ارکان
بعد ازین خواهد شد
و واجب غیر رکن را اگر عذر از یاد یا کم کنند نماز باطل گردد و اگر از روی فراموشی زیاد یا کم

کم کند نماز باطل نگردد
و اگر خارج از حقیقت نماز است یا شرط صحت نماز است یا چیز بخداست که در نماز ترک است یا نه
و چیزی را می که شرط صحت نماز است مثل طهارت از حدث و برطرف کردن نجاست از بدن
و جامه و سایر مقدمات نماز است چنانکه پیشتر مذکور شد
و چیزی را می که در نماز ترک آنها باید نمود و آنها را منافیات نماز گویند مثل ترک سخن گفتن ترک
فعل کشیر و غیره چنانکه بعد ازین مذکور خواهد شد
در بیان خلل و عذر و سهو و شک و غیره و خلل زیادتی یا کمی است که در نماز واقع شود و
واقع شدن آن با عنوان عداست یا سهو یا شک و عذر است که کسی چیزی را داند و قصد
آنرا بجا آورد و سهو است که خلل را از روی فراموشی واقع سازد و شک است که چیزی
تردد داشته باشد که آیا آن را بجا آورده یا نیاورده و بهر دو طرف گمان اومساری باشد
و اگر در کردن چیزی تردد داشته باشد و گمان او بیک طرف بیشتر باشد آن طرفی را
که گمان بیشتر دارد آن طرف را بطلن گویند و طرفی را که گمان کمتر دارد و هم گویند و علم است که کسی
چیزی را داند و جهل است که نداند پس اگر اصل چیزی را داند مثل آنکه خواندن حمد و سوره را داند
آن را علم باطل گویند و اگر وجوب آن را داند یعنی داند که خواندن حمد و سوره در نماز واجب
است آن را علم حکم شرعی گویند و اگر داند که بخواند حمد و سوره مثلاً حمد نماز را باطل
میکنند این را علم حکم وضعی گویند و اضطراب است که کسی چیزی را از راه ناپایداری واقع سازد
و اختیار در مقابل اضطراب است و چون این امور معلوم شد پس خللی که در نماز واقع شود
بر دو قسم است یک قسم آنست که نماز را باطل میکند و قسم دیگر آنست که باطل نمیکند

و آن قسمی که نماز را باطل کند آنها را منافیات نماز و ترک نماز گویند و آن نیز بر دو قسم است
اول آنست که عذر و سهو نماز را باطل کند مثل حدث کردن در نماز و فعل کشیر و غیره
دوم آنست که اگر عذر واقع شود نماز باطل گردد و اگر سهو واقع شود باطل نگردد مثل
سخن گفتن و غیره
و خللی که نماز را باطل کند بر پنج قسم است چنانکه مجله درین حجت و لما بیان شده و بعد ازین
بتفصیل بیان خواهد شد
اول آنست که سبب آن چیزی لازم نگردد یعنی نه طاقی باید نمود و نه سجده سهو و نه نماز
صحیح باشد
دوم آنست که طاقی باید نمود و اما سجده سهو لازم نگردد و نماز صحیح باشد
سوم آنست که هم طاقی باید نمود و هم سجده سهو و نماز صحیح باشد
چهارم آنست که سجده سهو لازم شود بدون طاقی و نماز صحیح باشد
پنجم آنست که باعث نماز احتیاط گردد با سجده سهو یا بی سجده سهو و بیان این
هفت شق در هفت جدول خواهد شد بعون الله تعالی
فضل اول - در بیان خللی که عذر و سهو باطل نماز است آنها را منافیات
نماز گویند و بعضی سهو سبب باطل شدن نماز میشوند اگر وقت باقی
باشد و حکم اختیار و اضطراب و غیره را نیز بمناسبت مقام بیان
نمودم

نیم واقع ساختن	اگر عذر واقع سازد	اگر سبب فراموشی آید	اگر نجاست بماند	اگر عذر واقع سازد
ناز در مکان نجس	ناز باطل کرد و خوا	ناز باطل کرد و اگر	ناز صحیح است	ناز باطل کرد و خوا
اگر مسجد حبیه باشد	وقت باقی باشد	وقت باقی باشد اگر	بعضی گفته اند اگر	هرگاه که عذر آن
و مکان بیار احصا	و خوا و نباشد	باقی نباشد بعضی صحیح	وقت باقی باشد	کرده باشد
هرگاه که نجاست	بعضی باطل نیست	اعاده باید کرد	مشهر صحیح است	
سراست کند				
و هم واقع ساختن	اگر عذر واقع سازد	اگر سبب فراموشی آید	اگر نجاست بماند	اگر عذر واقع سازد
ناز در جامه نجس	ناز باطل کرد و خوا	ناز باطل است	ناز صحیح است	ناز باطل کرد و خوا
هرگاه که نجاستی باشد	وقت باقی باشد	اگر وقت باقی	باقی نباشد اگر	هرگاه که عذر آن
که بخشیده نشده باشد	و خوا و نباشد	باشد موافق شود	باشد بعضی گفته اند	و از آن نجاست
و از آن نجاست				
یا زوهم واقع ساختن	اگر عذر واقع سازد	اگر سبب فراموشی آید	اگر نجاست بماند	اگر عذر واقع سازد
ناز در جامه خصی	ناز باطل کرد و خوا	بعضی باطل نیست	ناز صحیح است	ناز باطل کرد و خوا
هرگاه که نجاست از	وقت باقی باشد	بعضی باطل نیست	وقت باقی باشد	کرده باشد
صاحب جامه گرفته باشد	و خوا و نباشد	در خارج وقت صحیح نیست	و خوا و نباشد	نباشد
دوازدهم واقع ساختن	اگر عذر واقع سازد	اگر سبب فراموشی آید	اگر نجاست بماند	اگر عذر واقع سازد
ناز در مکان نجس	ناز باطل کرد و خوا	ناز باطل است	ناز صحیح است	ناز باطل کرد و خوا
اگر مسجد حبیه باشد	وقت باقی باشد	وقت باقی باشد اگر	بعضی گفته اند اگر	هرگاه که عذر آن
و مکان بیار احصا	و خوا و نباشد	باقی نباشد بعضی صحیح	وقت باقی باشد	کرده باشد
هرگاه که نجاست	بعضی باطل نیست	اعاده باید کرد	مشهر صحیح است	

سیزدهم وضو	اگر عذر باشد	اگر از روی فراموشی	اگر عذر باشد	اگر عذر باشد
ساختن یا غسل کردن	ناز باطل کرد و خوا	ناز باطل است	ناز صحیح است	اگر عذر باشد
باب خصی یا تمیز کردن	وقت باقی باشد و خوا	اگر وقت باقی باشد	خواه وقت باقی	ناز باطل است
بخاک خصی یا بن جثه	نباشد	مطلقا باطل است	باشد و خوا	اگر ساهی باشد
ناز گذاردن	صحیح است این مسورا	نباشد	حکم سهو دارد	
چهاردهم واقع	اگر عذر باشد	اگر از روی فراموشی	اگر عذر باشد	اگر عذر باشد
ساختن یا ناز در دست	ناز باطل کرد و خوا	ناز باطل است	ناز صحیح است	اگر عذر باشد
بینه و چون حکم با	خواه وقت باقی	میدانند خصوصاً	شود ناز صحیح	شود ناز باطل است
نجس گوشت این نیز	باشد و خوا و نباشد	اگر وقت بیرون	است اگر آن	اگر از دست کافری
بناسبت ذکر نمود	مکروه باشد	وقت باشد	است مسلمان باید	در بلاد کفر از
اگر عذر میاید			بلای اسلام از مجولی	مجولی گرفت
دوم مذکور سازم			گرفته باشد	باشد
پانزدهم حفظ نکردن عدد در رکعتی ناز یعنی ناز گذاردن که چند رکعت از نماز بجا آورد				
مثل آنکه نداند که در رکعت اول یا دوم یا سوم یا چهارم است ناز باطل گردد و در صورتی که ظن او بطرفی غالب باشد که اگر ظن او بر چیزی غالب باشد بنا بر آن میگذارد و ناز را تمام میکند				
شانزدهم شک در دو رکعت اول از نمازهای چهار رکعتی و شک در رکعتیهای نماز دو رکعتی مثل ناز صبح و جمعه و کسوف و غیره و شک در عدد رکعتیهای نماز مغرب باعث باطل شدن نماز است و گفته اند اگر بطرفی ظن بهم نرسد ناز باطل است اگر ظن بطرفی بهر اند بنا را				

بر آن میگذارد و نماز صحیح است بجز مشهور و بعضی گفته اند که در دو رکعت اول علم باید و کفایت
 هفدهم کم کردن یک رکعت یا زیاده بر آن از نماز و بخاطر آمدن آن بعد از فعل منافی که
 عدا و سوا نماز را باطل کند مثل پشت بپوشیدن و غیره نماز باطل گردد و اگر بعد از فعل منافی
 بخاطر آید که آن منافی عدا نماز را باطل کند سوا مثل حرف زدن و غیره میان عمل خلافت
 و مشهور آنست که آنچه ترک کرده بجای آورد و نماز صحیحست و بعضی نماز را باطل میدانند
 بیجدهم اگر کسی یک رکعت در نماز زیاد کند و بعد از رکعت چهارم بقد تشهد نشسته
 باشد نماز باطل است اگر بعد از رکعت چهارم بقد تشهد نشسته باشد نماز صحیحست برای شیه
 اول علیه الرحمه و بعضی گفته اند اگر تشهد خوانده باشد نماز صحیح است
 نوزدهم حفظ کردن دو رکعت اول نماز سبب باطل شدن نماز است و گفته اند فرق میان
 این شق و شکت در دو رکعت اول نماز آنست که در شکت گاهی کردن دو رکعت و گاهی نکردن
 آن بخاطر میسرید و هیچ طرف ترجیح ندارد و دیگری درین شق مطلق بخاطر غیره که چنانچه
 کرده و فرق میان این دو شق کردن خالی از اشکال نیست
 بیستم از جمله منافیات نماز آنست که نماز گذار مشغول الذمه باشد بچیزی که فایده باشد
 بادی آن و ادای آن فورا واجب باشد مثل رد امانت که مطالبه آن کنند و در عین مقصود
 و غیره پس تبری الذمه نشود نماز او صحیح نباشد و این در صورتیست که وقت نماز وسعت است
 باشد که اگر وقت تنگ شده باشد گفته اند نماز صحیحست اگر چه بانگی وقت نیز گفته اند که احتمال تنگ
 است
 بیست و یکم از جمله منافیات باطل شدن است در آشنای نماز و مراد از باطل شدن در اینجا
 که منقطع ببلوغ برسد یعنی اگر مرد باشد یا نروده سال او تمام شود و اگر زن باشد نه سال و بلوغ را نرسیده

موسی نظار نیز گفته اند که در اینجا بسیار بعید است و مراد از بلوغ جنب شدن نیست از برای آنکه
 آن حدیث است پس هرگاه در آشنای نماز باطل شود نماز باطل گردد و باید که نماز را اعاده کند
 بنیت واجب

فصل دوم در بیان خلی که عدا اگر واقع شود نماز باطل گردد و سوا و اینها نیز
 از جمله منافیات نماز اند و بیان اینها درین جدول شده و حکم اختیار و اضطرار
 و غیره نیز بنا به مقتضای مقام بیان میشود

اول			
اگر عدا چنین	اگر از روی	اگر اختیار	اگر سبب اضطرار
کند	فراموشی باشد	چنین کند	چنین کند
یعنی بطریق معنیان دست بست نماز کردن	نماز باطل گردد	نماز صحیحست	اگر عدا باشد نماز صحیحست
و این را تکفیر گویند و بعضی گفته اند تکفیر	خواهد دانند که	خواه وقت	نماز باطل گردد
دست راست را بر دست چپ گذاشتن است	دست بستن	باقی باشد	و اگر با سوا از برای تقیة
و بعضی دیگر گفته اند که فرقی نیست خواه	سبطل نماز است	خواه وقت	باشد نماز دست بسته
راست را بر چپ گذاشتن یا عکس خواهد بود	و خواهد ندان	ببرون رفتن	صحیحست نماز کند
بالای ناف گذاردن یا زیر ناف	باشد		
دوم			
اگر عدا چنین	اگر از روی	اگر اختیار	اگر مضطر
گوید	فراموشی باشد	باشد	باشد
سخن گفتن در نماز بعد از حرف زیاده بر آن			
که قرآن و عبادت و سلام باشد و گفته اند که	نماز باطل	نماز صحیحست	اگر عدا باشد نماز باطل گردد
یک حرف بگوید که افاد یعنی تمام کند	گردد نماز کند	هر چه که غیر	نماز باطلست و اگر گاهی برای

سخن گفتن و آرد مثل قیاسی که دارد	دعا یا قرآن	قرآن و دعا	و با سهو صحیح	نباشد برپا
فصل امر است از وقتی بقی و مع که امر است	یا در سلام	دره سلام	چنانکه	مجتهد الزمان
از وقتی می دانند آن	باشد	باشد	مذکور شد	
سوم	اگر عذر باشد	اگر از روی	اگر از روی	اگر مضطر باشد
خود و چیزی یا آشنایان آب و غیره		فراموشی باشد	اختیار باشد	
ناز را باطل کند مگر در نماز و هرگاه	ناز باطل کرد	ناز صحیح است	ناز باطل است	ناز صحیح است
کسی نشد باشد و خواهد که روزه بگیرد و در	برای شید	کمرسانی دیگر	مسکاه	اگر در نماز
که اگر نماز را تمام کند صبح طلوع کند	علیه الرحمه	بعل که عذر	با عذر باشد	باشد و اضطرار
جایز است که آب بیاورد و نماز تمام	جسمی	و سهواً سطل باشد	و اگر با سهواً	در غیر نماز و در
کند و بعضی سبب خوردن و آشامیدن	از علل	مثل فعل کثیر	صحیح است	حکمش ظاهر
ناز را باطل نماید اندک کمرسانی و دیگر بعل		و غیره		نیست
چهارم	اگر عذر واقع	اگر سبب فراموشی	اگر آفتاب	اگر مضطر
بمقتضی خندیدن در نماز و گفته اند خند	شود	باشد	باشد	باشد
بمقتضی است که بآن آوازی باشد	ناز باطل کرد	ناز صحیح است	ناز باطل است	یعنی خنده بر وجه
و اما قیسم نماز را باطل نکند و آن	و قیسم عذر نماز	هر چند بمقتضی	اگر عذر واقع	سرزد که فطنت
خنده است که بآن آوازی باشد	را باطل	خندیده	شود و اگر با	خود نتواند نمود
اگر چه قیسم کردن در نماز مکروه است	نکند اما مکروه	باشد	سهو واقع شود	ناز باطل کرد
اما باطل نیست			ناز صحیح است	برای شید بماند

چهارم	اگر عذر کرد	اگر سبب فراموشی	اگر آفتاب	اگر مضطر
مکروه کردن از برای امور دنیا مثل آنکه مکروه	باشد	باشد	باشد	باشد
از برای چیزی یا گفتن ثانی و راسته آن	ناز باطل کرد	ناز صحیح است	ناز باطل است	یعنی مکروه از برای
مکروه از برای امور آخرت مثل ذکر شیت	هرگاه مکروه	اگر چه مکروه	اگر عذر باشد	امور دنیا بر وجه
یا ترس خدا یا تعالی از افضل اعمال است که سنت	از برای امور	برای امور	و اگر با فراموشی	سرزد که فطنت
بتکلف خود را بکبر و اشتغال نماید که مثل	و سبب باشد	دنیا باشد	باشد و خارج	خود نتواند نمود
بدو حرف بزند و بر آن نباشد			است	بطلان از برای شید
ششم	اگر عذر کرد	اگر سبب فراموشی	اگر آفتاب	اگر مضطر
ترک واجبی از واجبات نماز و آن واجب	ناز باطل کرد	ناز صحیح است	ناز باطل است	اگر در نماز
و نخواهد کرد احکام ترک کردن مسایر واجبات	خواهد کرد	اگر ترک کنی از	اگر عذر ترک کند	عذر ترک کند خود
از روی فراموشی در جمعه و ایام بعد از این	ارکان نماز نکرد	خواهد کرد	اگر ترک کنی	اگر عذر ترک کنی
بیان خواهد شد	غیر رکعت	باشد	غیر جهر و احتیاط	غیر جهر و احتیاط
هفتم	اگر عذر کرد	اگر سبب فراموشی	اگر آفتاب	اگر مضطر
زیاد کردن واجبی از واجبات نماز و آن	باشد	باشد	باشد	باشد
غیر رکعت گفتند اگر طاعتی بعد از سر برداشتن	ناز باطل کرد	ناز صحیح است	ناز باطل است	ناز باطل است
رکوع یا طاعتی بعد از سر برداشتن از سجده اول	خواهد کرد	زیادتی رکعت	عذر زیاد کند	و اگر با سهواً نماز باطل
زیاد کند و بعد از آن نماز کند و اگر بود	خواهد کرد	نشده باشد	سزاوارت کند	اگر زیادتی رکعت
بیرون رود نماز باطل نموده و بقول شیه ثانی جمله	غیر رکعت	باشد	باشد	بطلان از برای شید

و چون زیاده و کمی رکعی از ارکان نماز عدا و سهواً بجهت بیان شد که مطلق نماز است این جدول
زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً بیان میشود و کمی رکعی سهواً و صورتی نماز را باطل میکند که از محل آن گذشت
باشد که در آن آن توان نمود و زیاده و کمی رکعی سهواً در بعضی صورتحسب مطلق نماز نیست بیان
این احکام در این جدول شده و الله المستعان

جدول در بیان ترک رکعی از ارکان	در بیان وقت محل	جدول در بیان احکام زیاده و کمی رکعی
نماز بسبب فراموشی	هر یک از ارکان	نماز بسبب فراموشی
و کسب حجت مطلق نماز		

اگر کسی غیت نماز را فراموش کند و چون تکبیر احرام گوید و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
یعنی در اصلی در خاطر او نباشد که نماز باطل است و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
میکنند و از برای خدا میکنند تا اگر حفظ خواهد غیت از رکعی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
گفته و این معانی در خاطر او باشد شرط از برای ترک شرط میماند مگر آنکه نماز باطل نموده و اگر
برای آنکه غیت بدون همان رعایت نماز باطل کند هر چند برای شکیانی است که زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
در خاطر او نباشد که نماز باطل است و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً

اگر کسی قیام یعنی ایستادن را فراموش کند و در قیام
که رکعی است خلاف کرده و بعضی گفته اند که قیام
رکعی است بعضی گفته اند که قیام رکعی است
رکعی است هر قیام در حال قیام است هر قیام
احرام رکعی است و شکی نیست که قیام رکعی است
متصل رکعی را رکعی میداند پس قیام رکعی که آن
رکعی نباشد رکعی نخواهد بود

اگر کسی تکبیر احرام را فراموش کند یعنی هر وقت که بخاطر آنکه
بعد از غیت بی فاصله تکبیر بقصد تکبیر باطل کرده و هر چند که در تکبیر
احرام نموده باشد و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
شده و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
غیت است

اگر کسی رکوع را فراموش کند و گفته اند که رکوع و چون پیشانی را بر زمین گذارد
رکوع وقتی حاصل شود که آن قدر خم شود که بخاطر او زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
بنا بر آن حد ترسد پس اگر شروع در خم شدن نماید و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
باشد و اگر رکوع و قرائت فرق بقدر دیگر و هر چند هر دو یکی باشد و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
برداشتن از رکوع را واجب میداند و اصل در برخواستن از رکوع را واجب میداند و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
حقیقت رکوع نمیدانند بنا بر قول مشهور و آن بخاطر آنکه نماز باطل است و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
تمام کند

اگر کسی هر دو سجده را فراموش کند و گفته اند که و چون رکعت بعد از آن
هر دو سجده با هم رکعی اند و این قول مشهور است و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
اگر کسی یک سجده را سهواً ترک کند یا یک سجده باطل کند و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
سهواً آورد نماز باطل گردد و برین قول بحث میشود و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
کرده اند که هرگاه رکعت پنج من حیث الجوع و بعد از رکوع بخاطر آنکه
حاصل شود و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
من حیث الجوع است و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
سجده است و اگر کسی از ارکان سهواً فراموش کند و زیاده و کمی رکعی از ارکان سهواً
گنجایش بیان این امور نماید و الله اعلم

قسم دوم غسل است که نماز را باطل نمیکند فصل سوم در بیان غلظی که بسبب آن چیزی لازم نمیکرد یعنی نه تلفاتی لازم شود نه سجده سهو و نماز صحیح است و آن در صورتیکه چیزی از واجبات نماز غیر رکن را فراموش کند و بعد از گذشتن از محل آن بخاطر آید و بیان اقسام آن درین جدول شده و چون الله تعالی			
در بیان اجزای نماز	در بیان محل تکبیر	در بیان احکام	در بیان محلی و بطلان نماز
اگر کسی خواندن حمد و سوره برود و در	و چون بعد رکوع سجده نماز	تلفاتی قرائت نماید نمود	و نماز صحیح است
فراموش کند	آید یعنی آنکه حمد نموده باشد	در سجده سهو و سواقی	مشهور
اگر کسی خواندن حمد و آیتها فراموش	و چون بعد رکوع رسد	تلفاتی نماید نمود و سجده	و نماز صحیح است
کند و سوره خوانده باشد	بخاطرش آید	سوره نیز نماید که بنا بر قول	مشهور
اگر کسی در دو رکعت اول نماز خواند	و چون بعد رکوع رسد	تلفاتی نماید نمود و سجده	و نماز صحیح است
سوره را فراموش کند و حمد تنها	بخاطرش آید	سوره نیز نماید که بنا بر قول	مشهور
بخواند			
اگر کسی خواندن بعضی از حمد یا بعضی از سوره	و چون بعد رکوع رسد	تلفاتی نماید نمود و سجده	و نماز صحیح است
را فراموش کند خواه آیتی باشد یا	بخاطرش آید	سوره نیز لازم نگردد و بنا	قول مشهور
زیاده بر آن یا کمتر از آن			

اگر مصلحت از صفات قرائت را	و چون بعد رکوع رسد	تلفاتی نماید نمود و سجده	و نماز صحیح است
فراموش کند مثل ترتیب یا خارج کردن	بخاطرش آید	سوره نیز لازم نگردد و بنا	بر قول مشهور
از خارج یا سایر واجبات آن			
اگر کسی خواندن را فراموش کند و در	و چون بعد رکوع رسد	تلفاتی نماید نمود و سجده	و نماز صحیح است
که بگوید خوانده است یا نه یا بگوید	بخاطرش آید	سوره نیز لازم نگردد و بنا	بر قول مشهور
را فراموش کند و بنده بخواند			
اگر در رکوع یا بعد از تکبیر آن	و چون سوره را رکوع برود	تلفاتی نماید نمود و سجده	و نماز صحیح است
یا قرائت گرفتن بعد از آن را فراموش	بخاطرش آید	سوره نیز لازم نگردد و بنا	بر قول مشهور
کند اما باید که بعد رکوع حمد شده باشد			
اگر سر بر داشتن از رکوع یا قرائت	و چون بعد رکوع رسد	تلفاتی نماید نمود و سجده	و نماز صحیح است
گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع	آید و حمد بود آنکه گفت	سوره نیز لازم نگردد و بنا بر	قول مشهور
را فراموش کند	برین وجه		
اگر در سجده اول یا قرائت گرفتن	و چون سوره را سجده اول	تلفاتی نماید نمود و سجده	و نماز صحیح است
ذکر یا سجده کردن یا بعضی از اینها	بردارد بخاطرش آید	سوره نیز لازم نگردد و بنا	بر قول مشهور
غیر سجده را فراموش کند			
اگر نشستن بعد از سجده اول یا	و چون بعد سجده دوم رسد	تلفاتی نماید کرد و سجده	و نماز صحیح است
قرا گرفتن بعد از سر برداشتن	بخاطرش آید	سوره نیز لازم نگردد و بنا	بر قول مشهور
از سجده اول را فراموش کند			

اگر در سجده دوم یا چهارمین بجاء نماز سجده کردن بر بعض اعضای غیر سجدیه فراموش کند	و چون نماز سجده دوم سجده یا بر قول مشهور یعنی از برای برآوردن دلی که بر زمین باشد سجده سهولاً هم سجد	اگر واجب از واجبات نماز را بسیب فراموشی یا بفساد آورد آیا باید که غیر رکن باشد	و در باقی واجب اصلی نماید که بعد از وقت نماز یا پیش از آن بجا طعنی نماید که در خواب باشد
و سجده سهو از برای سهوی که در سجده سهو یا نماز احتیاط واقع شود لازم نمیکرد یعنی اگر در سجده سهو یا نماز احتیاط چیزی فراموش کند که اگر در نماز اصلی آن را فراموش کند موجب سجده گردد و اینجا موجب سجده سهو نگردد و همچنین نماز احتیاط	و اگر کسی شک کند که آیا در نماز او سهوی حاصل شده یا نشده یا شک کند که آیا از او شکلی حاصل شده یا نشده چیزی بر او لازم نگردد	و اگر کسی سهو یا رکنی بخشتی که در عرف او اکثر است و گویند حکم سهو از ساقط کرد و یعنی سجده سهو و نماز احتیاط بر او لازم نگردد و بعضی گفته اند اکثر است که در سه نماز بی در پی سهو کند یا در یک نماز سهو او سرزند	و اگر پیش نماز در چیزی شک کند و ناموم آن را حفظ کرده باشد آن شک اعتبار ندارد و حکم شک ساقط گردد و همچنین اگر ناموم شک کند و امام آن را حفظ کرده باشد آن شک اعتبار ندارد

اگر کسی شک کند چیزی در طعن او بر طعن غالب کرد و طعن نماید و حکم شک ساقط گردد فصل چهارم از قسم دوم در بیان ضللی که اگر در نماز واقع شود طعانی آن باید نمود بدین سجده سهو آن در صورتیست که واجب از واجبات نماز را فراموش کند و پیش از آنکه از محل آن بگذرد بجا طعنی نماید که از اتفاقاً گشتند و سجده سهولاً هم نمیکرد و نماز صحیح باشد و بیان آنها درین جداول شده بهیچانند بقالی	در بیان عمل هر یک از واجبات نماز	در بیان صحت اطمینان نماز	در بیان عمل هر یک از واجبات نماز	در بیان صحت اطمینان نماز
اگر کسی خواندن حمد و سوره را فراموش کند ختم نموده باشد که دست بر زمین برسد هر چه که شروع در ختم شد آن کرده باشد	باید که برگردد و قرائت کند بعد از آن بر کعبه رو	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد	اگر کسی خواندن حمد و سوره را فراموش کند ختم نموده باشد که دست بر زمین برسد هر چه که شروع در ختم شد آن کرده باشد	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر کسی خواندن حمد و سوره را فراموش کند ختم نموده باشد که دست بر زمین برسد هر چه که شروع در ختم شد آن کرده باشد	باید که برگردد و حمد را بخواند و اگر سوره را بعد از حمد بخواند اگر خواهد همان سوره را بخواند و اگر نخواهد سوره دیگری بخواند	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد	اگر کسی خواندن حمد و سوره را فراموش کند ختم نموده باشد که دست بر زمین برسد هر چه که شروع در ختم شد آن کرده باشد	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد

و اگر کسی معنی از سجده را نداند را فراموش کند اگر چه بگوید یا بشاید کمتر یا بیشتر صفات قرائت را فراموش کند	و هنوز سجده رکوع نرسیده بخاطرش آید هر چند که از رکوع آن را تا ترتیب بیرون کرده باشد	برگردد و آنچه را ترک نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر بلند خواندن قرآن را فراموش کند و جایی که بلند آید خوانده باشد بخواند یا آهسته خواند را فراموش کند و بلند بخواند	و هنوز سجده رکوع نرسیده بخاطرش آید و حد رکوع بیان شد هر چند که پیش از غم شدن از برای رکوع بخاطرش آید و اظهر برای جهت الزام قول آخر است	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
و اگر کسی ذکر رکوع را فراموش کند یعنی بعد از رکوع غم شده باشد و ذکر آن را فراموش کند	و هنوز از حد رکوع برین ترفته بخاطرش آید و بعد از آن سر از رکوع نرفته باشد	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
و اگر کسی رکوع را فراموش کند و در رکوع غم شدن است بجای آن که در سجده باشد بجای آن که در سجده باشد	و هنوز سجده نرسیده بخاطرش آید یعنی پیشانی را بر زمین نهد و یا سجده نکرده باشد نکند و یا سجده نکرده باشد	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد

و اگر سر برداشتن از رکوع یا قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع را فراموش کند	و هنوز سجده نرسیده بخاطرش آید هر چند که از برای سجده غم شده باشد برگردد و در راست بایستد انکه توقف کند و سجده	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر ذکر سجده اول یا قرار گرفتن بعد از ذکر یا سجده کردن بر بعضی اعضا غیر جبهه را فراموش کند	و پیش از سر برداشتن از سجده اول بخاطرش آید باشد و خواه سجده بر بعضی اعضا و غیره	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر کسی قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از سجده اول را فراموش کند	و پیش از آنکه سر از برای سجده دوم بر زمین گذارد بخاطرش آید	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر کسی ذکر سجده دوم یا درنگ کردن بعد از آنکه ایستادن بعضی اعضا بر زمین غیر جبهه را فراموش کند	و پیش از سر برداشتن از سجده دوم بخاطرش آید خواه ذکر باشد و خواه که ایستادن بر زمین و خواه غیر آن	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد

اگر کسی تشنه آخر نماز را فراموش کند	و پیش از سلام بخاطرش آید	برگردد و تشنه را بجا آورد و بنا بر مذاهب جمعی که سلام راست می‌نهند بر جمیع تشنه با تمام که از نماز پشت نشده باشد	د نماز صحیح است
-------------------------------------	--------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------

فصل پنجم در بیان خللی که هم تلافی باید نمود و هم سجده سهو بیان آن در این فصل شده

در بیان فراموش کردن	در بیان که نشستن از محل برخیزد	در بیان احکام از تلافی و سجده سهو	در بیان صحت و بطلان نماز
اگر کسی یک سجده از نماز فراموش کند	و چون بجز رکوع سجده بخاطرش آید	باید که بعد از نماز تلافی آن سجده نماید و سجده سهو نیز بجا آورد و مذاهب مشهور	د نماز صحیح است
و اگر کسی یک سجده رکعت آخر نماز را فراموش کند	و بعد از آنکه سلام گوید بخاطرش آید	باید که سجده فراموش شده را تلافی نماید	د نماز صحیح است
اگر کسی تشنه اول نماز را فراموش کند	و چون بجز رکوع سجده بخاطرش آید	باید که بعد از نماز تلافی آن تشنه نماید و سجده سهو نیز بجا آورد و مذاهب مشهور	د نماز صحیح است

و اگر کسی تشنه آخر نماز را فراموش کند	و بعد از آنکه سلام گوید بخاطرش آید	باید که تشنه را بجا آورد و سجده سهو واجب گردد برای بعضی از مذاهب و مجتهدان زمانی گفته اند که سجده سهو واجب است اگر چه دلیل ندارد	د نماز صحیح است
---------------------------------------	------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------

اگر کسی صلوات فرستد و بعد از رکوع بخاطرش آید	باید که بعد از نماز صلوات فراموش بر سینه یا آل او را که از تشنه اول باشد و بعد از سلام بجا آورد موافق رأی شیعان است	باید که بعد از نماز صلوات فراموش تشنه فراموش کند بخاطرش آید اگر از تشنه آخر باشد	د نماز صحیح است
----------------------------------------------	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------	-----------------

فصل ششم در بیان خللی که باعث سجده سهو گردد و در بیان آن درین جدول شده و احوط برای شیعان اول و اکثر علما آنست که سجده سهو از برای هر زیادتیی و کمیی که در نماز واقع شود بجا باید آورد اما باید که آن زیادتیی و کمیی نماز را باطل نکند

اول اگر کسی از روی فراموشی سلام را در غیر موقع بجا آورد باید که بعد از نماز سجده سهو بجا آورد و در این نقل اجماع کرده اند مگر محمد بن یعقوب کلینی که در این صورت قایل بوجوب سجده سهو نشده است باقی علما واجب میدانند

دوم اگر کسی از راه فراموشی در اشای نماز سخنی گوید که مستثنی بدو حرف باشد یا یک حرف که افاده معنی تمام کند مثل ق و غیره که غیر فیه آن دعا و ذکر در سلام باشد باید که بجز نماز سجده سهو بجا آورد و درین صورت خلافت میان علما حاصل نمیشود

سوم اگر کسی از روی فراموشی بایستد در جایی که باید نشست یا بنشیند در جایی که باید ایستاد

باید که بعد از سلام نماز سجده سهویجا آورد موافق رأی شهید و اکثر علما مگر آنکه خواندن تشنه
فراغوش کند و برخیزد بقرائت و در آن اثنا بخاطر شش آید که تشنه نخواهد بر سیکر و تشنه
بخواهد باز بر میخیزد بقرائت اگرچه درین صورت هم قیام در موضع قعود است اما سجده سهو
مگر در وقت که مذکور شد

چهارم اگر کسی شک کند میان رکعت چهارم و پنجم در نماز چهار رکعتی باید که بعد از سلام
نماز سجده سهویجا آورد و مختل احکام این در بحث شک در میان رکعات نماز مذکور خواهد
انشاء الله تعالی و تقدس

در بیان کیفیت تلاقی اجزای فراموش شده نماز و احکام آن از سجده صلوات تشنه
اولی آنست که واجب باشد که اجزای فراموش شده نماز را بعد از نماز بی فاصله بجای آورند
برای شهید اول علیه الرحمه و شرطست در آنها آنچه در نماز شرطست از طهارت و پوشانیدن
عورت در و بقبله بودن و غیره و اگر چند فعل را در نماز فراموش کرده باشد باید که بعد از نماز
اول فعلهای فراموش شده را بر تثنی که فراموش کرده بجای آورد و بعد از آن از برای
هر یک سجده سهو بترقیب بعمل آورد اگر چند کثیر التوسسیده باشد زیرا که سجده سهو اگر کثیر
التوسس قطع میشود

و اگر کسی یک سجده را در نماز فراموش کرده باشد و نخواهد که بعد از نماز تدارک
آن کند باید که قیامت چنین کند

که سجده فراموش شده نماز را مثلاً بجای آورد اما واجب تقرب بخدا و قیامت قضا کند
اگر وقت بیرون رفته باشد یا در نماز قضا آن را فراموش کرده باشد و مقارن قیامت پیشانی

و سایر اعضا را بر زمین گذارد موافق رأی شهید اول علیه الرحمه و اگر در نمازی که از میت اجاره
کرده باشد یا در نمازی که از برای پدر میکند چنین سهوی واقع شود قیامت چنین کند که میبایست
میت سجده فراموش شده را بجای آورد و بجهت آنکه واجب است بر او با صلا و بر من میبایست
تقرب بخدا و باید که سجده بر حقیقت حضور و کبریا آورد و ذکر سجود و قیامت و اگر قیامت بگذرد
سایر واجبات سجود را بجای آورد و باید که محل سجده پاک باشد و از جنسی باشد که سجده کردن بر آن
جایز باشد چنانکه در سجده نماز مذکور شده است

و اگر تشنه را فراموش کرده باشد قیامت چنین کند که تشنه فراموش شده فلان نماز را
بجای آورد اما

قضا واجب تقرب بخدا و بعد از آن تشنه را بخواند و سایر واجبات تشنه را چنانکه مذکور شد
بجای آورد و اگر صلوات بر پیغمبر را فراموش کرده باشد مثل تشنه است و سایر احکام تشنه و صلوات
مثل احکام سجده فراموش شده نماز است

در بیان کیفیت سجده سهو و احکام آن و سجده سهو و سجده آنکه بعد از اجزای فراموش
شده نماز یا بعد

از سلام نماز بجای باید آورد و واجب است در آن دو سجده آنچه واجب است در سجده نماز از
سجده کردن بر هفت حضور و آنکه مسجد میبایست پاک باشد و از جنسی باشد که سجده کردن بر آن
صحیح باشد و قرار گرفتن بقدر ذکر و غیره و اما ذکر این دو سجده غیر ذکر سجده نماز است و شرط است
در این دو سجده با طهارت بودن و پوشانیدن عورت در و بقبله کردن و غیره و اگر بعد از
نماز پیش از سجده سهو از کسی حدیثی صادر شود واجب است که طهارت کند و بعد از آن سجده

سوره را بجا آورد و مقصد میسر شود سجده هرگاه که اسباب مقصد باشند هر چند در یک نماز باشد
مثلاً آنکه کسی در یک رکعت یک سجده را فراموش کند و در رکعت دیگر تشهد را فراموش کند پس بعد از
نماز برای هر یک سجده سهوی عیبه باید کرد مگر آنکه بجهت کثیر التهورت و بعضی از علما گفته اند که
در نیت سجده سهو قصد ادایا قضا کردن در کار نیست و اجمود بر این شیعیه است که قصد ادایا قضا
نمود و در کتاب بیان نیت ادایا قضا را واجب میدانند و بعضی از علما گفته اند که در نمازی که از
برای میت میکند خواه با جاره باشد و خواه پسر بزرگ تر قضای نماز فوت شده پدر کند اگر چه
واقع شود که باعث سجده سهو باشد باید که در نیت ذکر میت بکشد و بیشتر بر آنند که ذکر میت در سجده
سهو در کار نیست

در بیان نیت سجده سهو

و نیت چنین است که دو سجده سهو بجای آورم از برای سویی که نماز فکر کرده ام مثلاً از برای آنکه
واجب است تقرب بخدا و مقارن نیت پیشانی را بر زمین گذارد و گفته اند که تعیین سبب سجده
سهو در کار نیست هرگاه سبب یک چیز باشد و اگر چند چیز باشد واجب است یعنی اگر کسی تشهد را
مثلاً تنها فراموش کرده باشد واجب نیست که در نیت سجده سهو قصد کند که سجده سهو را
از برای تشهد فراموش شده بجای آورم و اگر تشهد و یک سجده باشد مثلاً باید که هر سجده سهوی
که بجای آورد قصد کند که از برای کدام بجای آورم و شهید در کتاب ذکر تعیین سبب اصطلاحاً
واجب میدانند

در بیان ذکر سجده سهو

و در هر مرتبه که سر سجده گذارد این ذکر را بگوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و اگر خواهد این ذکر را بگوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ عَلَيكَ أَجْمَعِينَ وَرَحْمَةً وَبَرَكَاتٍ
و هر یک از این دو ذکر را که در دو سجده سهو بگوید کافیست و طریق دیگر نیز نقل کرده ام

در بیان تشهد سجده سهو

و چون سر از سجده دوم بردارد بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و در تشهد خلاف کرده اند که آیا البتة باید که تشهد صغیر بخوانند
چنانکه مذکور شد یا اگر تشهد کبیر که در نماز میخوانند نیز بخوانند کافیست و احتیاطاً برای مجتهد از ثانی
است که الکفا بقیة صغیر گفتند چنانکه مذکور شد و بعد از تشهد سلام بجا آورند مثل سلام
نماز موافق مشهور و این صلاح خلاف کرده میگوید که سلام بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم باید
فصل هفتم در بیان خطی که باعث نماز احتیاط گردد و آن شک در عدد
رکعتهای نماز است

پس اگر شک در عدد رکعتهای نماز دور کفایت باشد مانند نماز صبح و جمعه و غرة یا در نماز
سه رکعتی باشد مانند نماز شام یا در عدد دو رکعت اول از نمازهای چهار رکعتی باشد
مشهور است که نماز باطل گردد و چنانکه مذکور شد و اگر در نماز چهار رکعتی
یقین بحقیق در رکعت اول داشته باشد و در زیادتی
شک کند و از ده صورت از آن که موقوف
مشهور است در این بیان نمودم
چنانکه شهید اول علیه السلام
ذکر کرده

تتمه	اگر پیش از رکعت باشد	اگر در رکعت باشد	بعد از رکعت	در آستانه سجده	بعد از سجده
اگر شک کند	نماز	نماز	نماز	نماز	اگر پیش از رکعت باشد بشکسته و شکسته و شکسته
بیان است	صحیح	باطل	صحیح	باطل	بجا آورد و نماز تمام کند و در رکعت
و چهار و پنج	سخت	سخت	است	است	نماز است یا طاعت یا آورد
					و احتیاطاً دو سجده سهو نیز کند
					و اگر بعد از رکعت باشد بخوابد پیش
					از سجده یا بعد از آن یک رکعت
					که بنا بر سه گذارد و نماز را تمام
					کند و وجه دیگر آنست که بنا را
					بر چهار گذارد و نماز را تمام کند
					و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاطی است
					بجا آورد و سجده سهو نیز بجا آورد
					و این برای شهید اقوی است
اگر شک تعلق	نماز	نماز	نماز	نماز	مشهور میان علماء باطل بودن نماز است
گیرد و برکت	باطل	باطل	باطل	باطل	و بعضی بر آنند که بنا بر برکت کنند
ششم یا نهم	سخت	است	است	است	حکم این مثل حکم تعلق شک
					برکت پنجم است

بیان احکام شک در افعال نماز

پس اگر شخصی شک کند در فعلی و از محل آن فعل گذشته باشد و داخل در فعل دیگر شده باشد آن شک اعتبار ندارد و اگر محل آن فعل باقی باشد آن را بجا میآورد و نماز صحیح است خواه شک در دو رکعت اول باشد و خواه در رکعت آخر و خواه رکن باشد و خواه واجب غیر رکن و چون بعضی از علماء گفته اند که هر شک که در رکعت اول واقع شود نماز باطل میشود و احتیاطاً برای مجتهد الزامی است که عمل بمقتضای شک کرده اعاده نیز کند خصوصاً در صورتی که شک تعلق بر رکن در رکعت اول نموده باشد و اگر در فعلی شک کند محل آن باقی باشد و آن را بجا آورد و بعد از آن بخاطر آنکه آن فعل را پیشتر کرده بود اگر آن فعل رکن باشد مانند تکبیر احرام در رکوع و غیره نماز باطل گردد و اگر غیر رکن از واجبات دیگر باشد ضرر ندارد و اگر بعد از گذشتن از محل شک کند و برگردد و آن فعلی را که در آن شک کرده بجا آورد و شهادت کند که نماز باطل کرده و هر شک که بعد از فارغ شدن از نماز عارض شود اعتبار ندارد و خواه در رکعات باشد و خواه در افعال و اگر شک کند که آیا از برای نماز ظهر مثلاً غایت ظهر کردم یا غایت عصر جمعی گفته اند که اعاده نماز باید نمود و الظاهر بر رأی مجتهدان آنست که شک اعتبار ندارد و خواه در آستانه نماز باشد و خواه بعد از آن و در این جدول شک در افعال نماز و گذشتن از محل هر یک بیان شده

در بیان شک در افعال نماز	در بیان محل هر یک از اجزاء	در بیان احکام رخصت و بطلان نماز و غیره
اگر کسی شک کند در غایت	بعد از آنکه تکبیر احرام گفته باشد	شک آن اعتبار ندارد و نماز را تمام کند و صحیح است
اگر کسی شک کند در تکبیر احرام	بعد از آنکه شریعتاً قرائت کرده باشد	شک آن اعتبار ندارد و نماز را تمام کند و صحیح است

اگر شک کند در خواندن حمد	بعد از آنکه شروع بسجده کند باید محل خلافت و انظر بر رأی مجتهد الزمانی آنست که مفت نشود و احوط آنست که اعاده نماز نیز کند	
و اگر کسی شک کند در قرائت	بعد از آنکه شروع در قرائت کرده باشد محل خلافت است و اقوی بر رأی مجتهد الزمانی آنست که مفت نشود و نماز صحیح است	
و اگر کسی شک کند در قرائت	بعد از آنکه شروع در قرائت کرده باشد و انظر بر رأی مجتهد الزمانی آنست که اعتبار کرده باشد و بنوعی سجده را صحیح شمرده باشد و احوط آنست که نماز را تمام کند و اعاده نیز کند	
و اگر شک کند در قرائت	در سجده کمر رسیده باشد البته مفت نشود و نماز را تمام کند و صحیح است	
و اگر شک کند در رکوع	در وقتی که ایستاده باشد باید که رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و صحیح است	
و اگر شک کند در ذکر رکوع یا نیت	بعد از سر برداشتن از رکوع درین صورت شک آنست که اعتبار ندارد و نماز را تمام کند و صحیح است	
و اگر کسی شک کند در رکوع	و از برای سجده خم شده باشد و بنوعی محل خلافت است و احوط برای مجتهد الزمانی آنست که التفات نگردد و نماز را تمام کند و احتیاطا اعاده نیز کند	
و اگر کسی شک کند در رکوع	بعد از رفتن مسجود	مفت نشود و نماز را تمام کند و صحیح است
اگر شک کند که سجده کرده ام یا نه	باید که دو سجده بجا آورد و نماز را تمام کند و صحیح است	
باید اصل سجده نموده ام	نشسته باشد	

و اگر شک کند که یک سجده کرده ام یا دو سجده	نشسته باشد	باید که یک سجده را بجا آورد و نماز صحیح است
اگر شک کند که دست سر را از برای سجده دوم خم شده	باشد و بسنوز سر سجده کند	محل خلافت و انظر بر رأی مجتهد الزمانی آنست که مفت نشود
اگر شک کند در دست سر برداشتن از سجده اول یا نیت	باشد	باید که البته مفت نیست نشود و نماز صحیح است
و اگر کسی شک کند در سجده	بعد از شروع در برخاستن	خلافت است و انظر بر رأی مجتهد الزمانی آنست که برگردد و سجده را بجا آورد
و اگر کسی شک کند در سجده	بعد از آنکه راست ایستاده باشد	مفت نشود و نماز را تمام کند و صحیح است
اگر شک کند در ذکر سجده یا نیت	بعد از سر برداشتن	شکش اعتبار ندارد و نماز را تمام کند و صحیح است
و اگر شک کند در سجده	بعد از شروع در خواندن	اشهر و انظر بر رأی مجتهد الزمانی آنست که احتیاطا ندارد
اگر شک کند در نشسته	در آثانی برخاستن	محل خلافت و انظر بر رأی مجتهد الزمانی آنست که التفات بکنه و شکایه که اعاده احوط باشد
اگر شک کند در نشسته	بعد از راست ایستادن	باید که مفت نشود و نماز را تمام کند و صحیح است

در بیان واجب و شرط و کیفیت نماز احتیاط و واجب است در نماز احتیاط
در نماز اصل واجب است

و باید که نیت کند و نیت چنین است که در رکعت نماز است و میگویم نیت احتیاط نماز فرض
نکست نماز برای آنکه واجب است و الا تقریب بخدا و اگر یک رکعت کند باید که نیت یک رکعت
کند و اگر نیت کند باید که قصد نشستن کند و اگر بعد از وقت باشد قصد قضا کند و بعد از نیت
بگیر گوید و بعد از آن حمد بخواند بی سوره و آهسته قرائت کند و درین نماز بجای حمد تسبیحات
اربع بخواند که مخفی نیست در سایر واجبات و تشدید تسلیم مثل نماز اصل است و ظاهر اوقات
نماز و معتبر است در نماز احتیاط آنچه در نماز اصل معتبر است از طهارت و استقبال قبله
و پوششیدن عورت و غیره و اگر در میان نماز اصل و نماز احتیاط سانی واقع شود مثل
حدیث یا پشت بپوشیدن و غیره رای شهید اول علیه الرحمه آنست که نماز اصل باطل نگردد
و بعضی از مجتهدین نماز باطل میدانند و همچنین اگر وقت بیرون رود نماز باطل نگردد و اما در نماز احتیاط
نیت قضا باید نمود و اگر بعد از نماز احتیاط یا در اشای آن ظاهر شود که نماز اصل کم بوده نیت
نشود برای شهید اول و بعضی گفته اند که اگر در اشای نماز احتیاط باشد عاده نماز باید کرد
و اگر در اشای نماز احتیاط ظاهر شود که نماز اصل تمام بوده نیت یار دارد و خواهد نماز را تمام کند
و اگر خواهد قطع کند تمام شد احکام نماز احتیاط نبون الله تعالی

در بیان احکام شک پیش از و ناموم در نماز جماعت اگر امام در چیزی شک
کند و ناموم آن را حفظ کرده باشد امام رجوع یقین ناموم میکند و اگر ناموم شک کند
رجوع یقین امام میکند و شک اعتبار ندارد و ضابطه آنست که صاحب شک رجوع یقین

یقین یا یقین میکند و صاحب یقین رجوع یقین خواهد امام باشد و خواه ناموم و احتمالات
آن بعد از این در این جدول بیان میشود و اگر شک کند در چیزی خواه در افعال نماز و خواه در
رکعتی نماز و دیگری که پیش نماز باشد و ناموم ایشان را خبر دهد یکی از دو طرف آن چیزی
که شک در آن کرده اند اگر از آن گفته یقین بهم رسد بنابر آن میگذازند اگر چه آن شخص عادل
نباشد یا طفل باشد و اگر از گفته او یقین بهم نرسد عمل حکم شک خود میکنند اگر چه خبر دهنده عادل باشد
موافق مشهور و اگر امام کاری بکند که سبب سجده سهو باشد و ناموم آن کار را نکند سجده سهو بر امام
واجب گردد و در وجوب سجده بر ناموم خلاف کرده اند و برای مجتهد الزامی واجب نبودن
سجده بر ناموم اقوی است واجب بودن آن احوط است اگر ناموم کاری بکند که موجب سجده
سهو باشد و امام آن کار را نکند شک نیست که بر امام چیزی لازم نگردد و آیا درین صورت بر ناموم
سجده سهو واجب باشد یا نباشد خلاف کرده اند و اظهر احوط برای مجتهد الزامی آنست
که واجب باشد و بعد از این در جدول احتمالات شک امام و ناموم بیان میشود .

هرگاه که امام در چیزی شک کند باید که امام یقین	مثل آنکه امام شک کند میان سه و چهار و ناموم حرم داشته
شک کند و ناموم ناموم کند هر چند که ناموم باشد باید که امام را تردید بهم رسد باید که امام را خبر	شک کند و ناموم ناموم کند هر چند که ناموم باشد باید که امام را تردید بهم رسد باید که امام را خبر
یقین آن داشته باشد یکی باشد عادل نباشد	مگر و اند باید که سه مرتبه سبحان الله گوید یا مثلاً این آیه را بخواند
را از قول او یقین بهم رسد	بسیار طول کشد و مانند آن بر امام واجب است که عمل بقبول آن
کند هر چند که یقین بهم نرسد	
اگر ناموم در چیزی شک کند باید که ناموم رجوع	مثل آنکه ناموم شک کند میان یک و دو و امام یقین دهد و باید که ناموم یقین
یقین امام کند	ناموم شود و شک بخدا کند و شک یقین است و در صورت یقین ناموم یقین

اگر شک نام نیت باشد باید که همه جمع باشد	مثل آنکه امام شک کند میان دو و چهار و بعضی از مومنین
یا مومنین شک نمایند	شک کند میان سه و چهار و بعضی میان چهار و پنج بنا بر آن
تیر مخالف هم باشد	بر چهار میگذارد و نماز را تمام نمیکند و دو رکعت نماز نشسته میکنند
و اگر مشرکی در میان باشد	
اگر شک نام نیت باشد باید که جدا شوند	مثل آنکه امام شک کند میان دو و سه و مومنین میان چهار و پنج امام بنا بر سه میگذارد و نماز را تمام نمیکند و بعد از آن یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته میکند و مومنین بنا بر چهار میگذارد و تشهد بخواند و سلام میدهد و بعد از نماز سجده سهو بجای آورد
یا مومنین باشد خواه هر یک عمل بحکم شک خود کنند	
یا مومنین متفق باشند	
و خواه مخالف امام باشد	
مشرکی در میان باشد	
در بیان احکام کثیر الشک و کثیر السهو و در حدی که چون شک بان صدر رسد و اگر کثیر الشک گویند خلاف کرده اند و رای اکثر علما آنست که اگر کسی آنقدر شک کند که در عرف گویند که بسیار شک میکند کثیر الشک است و این قول بر رای مجتهد الزمانی اقوی است و بعضی گفته اند اگر کسی در سه نمازی در پی شک کند یا در یک نماز سه شک کند کثیر الشک است و مجتهد الزمانی گفته اند که از بعضی احادیث ظاهر میشود که اگر کسی متقی برین حال باشد که در سه نماز یک شک کند او کثیر الشک است و چون سه نمازی شک بخیزد از آن حکم بیرون می آید و مشهور قول اولست پس هرگاه کسی کثیر الشک شود حکم شک از او ساقط است چنانکه بعد ازین در جدول بیان میشود و اگر در جائی بسبب شک سجده سهو واجب باشد بر کثیر الشک واجب نیست و اگر کثیر الشک عمل با حکام شک کند موافق مشهور نامشروع کرده است و اگر در میان نماز تدارک فعلی کند که با عتبار	

ثبوت شک نباید کرد مشهور آنست که نمازش باطل گردد و جدول بیان احکام کثیر الشک نیست	
اگر کثیر الشک در فعل باشد باید که آن تدارک کند	و اگر بعد از گذشتن از محل آن واجب بخاطرش آید که آنرا
و اگر در جهات باشد بخند هر چند که حرکت نکند	نکرده بود یعنی تا در محل آن واجب بود شک داشت در آن
آن فعل واجب باقی باشد	و مگر در آن چون از محل آن گذشت بخاطرش آید که آنرا
نکرده نمازش صحیح است و بر او چیزی نیست	
و اگر شک کند در کف باید که آن تدارک کند	و اگر بعد از گذشتن از محل آن رکن بخاطرش آید که آنرا نکرده
از ارکان نماز بخند هر چند که از محل آن رکن نگذشته باشد	بود نمازش باطل گردد و موافق مشهور و احوط بر رای مجتهد الزمانی
آن رکن نگذشته باشد	آنست که نماز را تمام کند و اعاده نیز نمیکند
و اگر شک کند در مکیله باید که تدارک کند	و اگر بعد از گذشتن از محل آن بخاطرش آید که آنرا نکرده بود
سجده یا شک کند در تشهد هر چند که از محل نماز نگذشته باشد	باید که بعد از نماز آن را بجا آورد و سجده سهو لازم نگردد و مجتهد الزمانی گفته اند که احتیاطاً سجده سهو نیز نمیکند
و اگر کثیر الشک باشد باید که بنا بر اکثر کند	و اگر کثیر الشک شک کند در رکعتی نماز و بنا بر اکثر
نکر آنکه اقل اصح باشد	گذارد و در جائی که بنا بر اکثر باید گذاشت و بعد از آن
که بنا بر اکثر اقل میگذارد	بخاطرش آید که یک رکعت کم کرده مثل آنکه شک کند میان
مثل آنکه در نماز چهار رکعتی شک کند میان	سه و چهار در نماز چهار رکعتی باید که بنا بر چهار گذارد و بنا
رکعتی نماز	مانده را بجا آورد و نماز را تمام کند پس اگر بعد از آن بخاطرش
سه و چهار بنا بر	آید که سه رکعت کرده بود اگر بعد از نماز بسطی بعمل نیاورد
چهار میگذارد و اگر اکثر	که عمدتاً سهو نماز را باطل کند مثل حدث و غیره آنرا

و نماز را تمام میکند	بجای آورده و اگر سبیل خنجرین یعنی آورده باید که نماز را	اعاده کند
و نماز احتیاط از او		
ساقط است اگر شک		
کند یا چنانچه پیش از		
بنابر چهار رکعت که		
اول و اسع و بعد از		
نماز سجده سوره فاتحه		

در میان احکام کثیر السجود اگر کسی سهو بسیار کند که اعمال نماز را فراموش کند بعضی گفته اند که او حکم کثیر الشک ندارد و شک سهوی که بکند باید که احکام آن ایجاب آورد و این قول برای مجتهد الزمانی اقوی است بعضی گفته اند که او نیز حکم کثیر الشک دارد و بسیاری بعد از آن میشود که شک آن نیز احتیاط باشد و احکام کثیر السجود درین دو بیان میشود

اگر کثیر السجود ایجابی	اگر پیش از گذشتن از محل آن واجب باشد	و اگر بعد از گذشتن از محل آن بخاطرش
از واجبات نماز	آید باید که آن را تدارک نکند و نمازش	که آن واجب انکرده است باید که تدارک
فراموش کند	صحیح است	نکند و نمازش صحیح است
و اگر رکعتی از آن	اگر پیش از گذشتن از محل آن کن بخاطرش	و اگر بعد از گذشتن از محل آن کن
نماز فراموش	آید که آن را انکرده باید که آن را	بخاطرش آید که آن را کن و انکرده
کند	تدارک نکند و نمازش صحیح	است نمازش باطل است
است		

و اگر سجده نماز یا نشسته را	اگر پیش از گذشتن از محل آن بخاطرش	و اگر بعد از گذشتن از محل آن بخاطرش
فراموش کند	آید که آن را انکرده است باید که آن را	آید که آن را انکرده است باید که بعد از نماز
تدارک نکند و نمازش صحیح است	آن را تدارک نکند و اما گفته اند که سجده	سوره از او ساقط میشود و اگر احتیاط بر او
	مجتهد الزمانی آنست که سجده سوره را نیز بخاطر	

در بیان بقیه احکام سهو و شک آن در پنج جدول بیان میشود اول آنکه باید دانست که شک وقتی اعتبار دارد که هر دو طرف آن مساوی باشد که اگر ظن بیک طرف غالب باشد عمل بآن میسباید کرد و در رکعت اول نماز باشد و خواه در رکعت آخر و خواه در عدد رکعتها باشد و خواه در افعال بنابر سهو و بعضی گفته اند که در دو رکعت اول علم می باید و ظن کافی نیست اگر در دو رکعت اول عمل بظن کند و اعاده نیز نکند برای مجتهد الزمانی احتیاط است احکام ظن در این جدول بیان شده است

اگر شخصی شک کند در بیان	اگر گمانش به بیشتر باشد باید که در رکعت	و اگر گمانش به بیشتر باشد یک رکعت میگوید
دو سه و نماز چهار رکعتی	دیگر بکند	و نماز احتیاطی او در کار نیست
و اگر در نماز چهار رکعتی شک	اگر گمانش به بیشتر باشد یک رکعت	و اگر گمانش به چهار بیشتر باشد سلام گوید
کند در میان سه و چهار	دیگر میکند	و چیزی بر او نیست و این بابویه علیه
		الرحمة گفته که درین صورت سجده میکند
و اگر در نماز چهار رکعتی شک	اگر گمانش به چهار بیشتر باشد سلام گوید	و اگر گمانش به پنج بیشتر باشد نماز باطل است
در میان چهار و پنج		بعد از رکعت چهارم بقدر تشهد نشسته باشد

دوم شک در حصول سهو است بار ندارد چنانکه درین جدول بیان شده است و چند
سند دیگر بنابر سبب مقام ذکر نمودم

اگر کسی شک کند که آیا سهوی از او حاصل شده اگر در سجده ای سهوی یا غلط یا احتیاط یا غلط حاصل شده یا نشده برادر چیزی نیست	اگر در آنکه سهوی از او حاصل شده اگر در سجده ای سهوی یا غلط یا احتیاط یا غلط حاصل شده یا نشده برادر چیزی نیست	اگر در آنکه سهوی از او حاصل شده اگر در سجده ای سهوی یا غلط یا احتیاط یا غلط حاصل شده یا نشده برادر چیزی نیست
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------

اگر یقین اند که شک در نماز کرده بود اگر یقین اند که سبب سهوی از این که موجب نماز احتیاط بود و شکست	اگر در آنکه سهوی از او حاصل شده اگر در سجده ای سهوی یا غلط یا احتیاط یا غلط حاصل شده یا نشده برادر چیزی نیست	اگر در آنکه سهوی از او حاصل شده اگر در سجده ای سهوی یا غلط یا احتیاط یا غلط حاصل شده یا نشده برادر چیزی نیست
-------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------

مستوم در بیان احکام سهوی که در نماز احتیاط یا سجده های سهوی یا در اجزای فراموش
شده نماز واقع شود و احکام هر یک از آنها در این جدول بیان میشود

اگر شخصی فعلی از افعال نماز احتیاط را فراموش کند و اگر کسی نماز احتیاط را فراموش کند و اگر کسی نماز احتیاط را فراموش کند	اگر کسی نماز احتیاط را فراموش کند و اگر کسی نماز احتیاط را فراموش کند و اگر کسی نماز احتیاط را فراموش کند	اگر کسی نماز احتیاط را فراموش کند و اگر کسی نماز احتیاط را فراموش کند و اگر کسی نماز احتیاط را فراموش کند
-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------

اگر در سجده فراموش شده نماز کند و اگر بعد از سر برداشتن از سجده از نماز تدارک میکند پیش از سر برداشتن	اگر در سجده فراموش شده نماز کند و اگر بعد از سر برداشتن از سجده از نماز تدارک میکند پیش از سر برداشتن	اگر در سجده فراموش شده نماز کند و اگر بعد از سر برداشتن از سجده از نماز تدارک میکند پیش از سر برداشتن
----------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------

اگر واجبی از واجات سجده سهو فراموش کند اگر در سجده های سهو یک سجده کند اگر پیش از وقت نماز بخواند یا بعد از آن	اگر واجبی از واجات سجده سهو فراموش کند اگر در سجده های سهو یک سجده کند اگر پیش از وقت نماز بخواند یا بعد از آن	اگر واجبی از واجات سجده سهو فراموش کند اگر در سجده های سهو یک سجده کند اگر پیش از وقت نماز بخواند یا بعد از آن
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

چهارم در بیان احکام شک که در عذر رکعتی یا نماز احتیاط یا افعال آن یا در عذر سجده های سهوی یا
در افعال آنها یا در اجزای فراموش شده واقع شود مشهور میان علمائ است که التماس بین شک نباید کرد
و اگر شک در عذر رکعتی یا نماز احتیاط یا عذر سجده های سهو واقع شود بنابر طرف صحیح گذاردن چنانچه
درین جدول بیان شده است

اگر کسی شک کند که در نماز احتیاط یا عذر سجده های سهو یک سجده کند اگر پیش از وقت نماز بخواند یا بعد از آن	اگر کسی شک کند که در نماز احتیاط یا عذر سجده های سهو یک سجده کند اگر پیش از وقت نماز بخواند یا بعد از آن	اگر کسی شک کند که در نماز احتیاط یا عذر سجده های سهو یک سجده کند اگر پیش از وقت نماز بخواند یا بعد از آن
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------

و اگر در سجده سهو شک کند که آیا	و اگر شک کند که دو سجده	و اگر شک کند که دو سجده
یک سجده کرده یا دو بار برود	کرده یا سه بار برود	و اگر در سجده سهو شک کند که آیا
سجده کرده	میگذارد که صحیح است	و اگر آنچه در پیش بای باشد یا آوده یا نه
برای سجده التزامی احوط است		

و اگر در سجده فراموش کند که نماز	و اگر در ذکر آن یا در گرفتن رکوع	و اگر در جزئی از اجزای تشهد فراموش
از نماز در آن میکند شک کند	سایر جهات سجده فراموش شد شک	شده نماز شک کند گفت آن
سجده کرده یا نه یا سه بار یا یک	کند باید که گفت آن نشود خصوصا	نشود چنانکه در سجده مذکور شد
میگذارد و گاهی که عاده یا دیگر	اگر از محل آن گذشته باشد	

پنجم اگر شک در عدد رکعتی نماز گرفتن آفتاب یا ماه یا زلزله یا سایر آیات کند نماز باطل گردد و اگر در عدد رکعتها شک کند بنا بر اکثر میگذارد و نماز را تمام می کند بنا بر مشهور و اقوی برای سجده التزامی نیز اینست تمام شد محبت شک و سهو توفیق الله تعالی

خاتم در بیان واجبات نمازی دیگر غیر نماز یومیه و آن مشتمل بر دو فصل است فصل اول در بیان احکام نماز قضا هرگاه از شخصی نمازی از نمازهای یومیه فوت شود واجب است که قضای آنرا بجا آورد و اگر سبب یکی از این شش امر نماز فوت شود که قضا لازم نگردد و بعضی هفت چیز گفته اند و فقیر بهمت چیزها در جدول بیان نمودم و در هر کدام که خلاف بود ذکر خلاف نیز نمودم و اموری که باعث ساقط شدن قضا میشوند

اول صفرن شخصی که بان شده باشد نمازهای که پیش از بلوغ از او فوت شود بعد از آن که بالغ شود قضای آنجا بر او واجب نباشد

دوم جنون و شخصی که دیوانه شود نمازهای که در ایام دیوانگی از او فوت شود بعد از آنکه عاقل شود قضای آنجا واجب نباشد

چهارم نفاس و نماز فوت شده ایام نفاس نیز قضا ندارد و هر چند که آن زن کاری بکند که باعث ولادت و آمدن خون گردد بقول شهید ثانی عیدالرحمه

ششم اغایی بیوشی نمازی که بسبب بیوشی فوت قضا لازم نگردد هرگاه که از ازل وقت آن بیوشی باشد موافق مشهور گفته اند که اگر شخصی چیزی بخورد خوابی شود که هفت نماز در خواب باشد پس اگر نذر آن که خوردن آن موجب جنین است قضای نماز واجب نیست اگر می دانست که جنین آن موجب جنین خواست اما آن بواسطه معالجه مرض بقول طبیب حاذق خورد و در آن مختصر در آن بود یا با کراه بخورد آوده باشند قضا لازم نگردد و الا قضا لازم است

و از جمله نمازهای واجبه نماز جمعه و نماز جمعه رمضان و نماز عید قربان قضا ندارد و قضای نماز کوفت و خسوف واجب است هرگاه که تمام قرص گرفته باشد خواه عمدا ترک آن کرده باشد و خواه سهوا و خوا

سوم حیض و نمازهایی که از زن حیض در ایام حیض فوت شود بعد از پاک شدن قضا ندارد و اگر چه آن زن کاری بکند که باعث آن خون حیض شود

پنجم کفر اصلی و چون کافر مسلمان شود نمازهای که در ایام کفر اصلی فوت شده قضا ندارد و اگر توبه شود و باز مسلمان گردد قضا نماز ایام ارتداد لازم است

هفتم هرگاه شخصی محدث باشد و آن آخر وقت نماز نه آب بیاورد که وضو یا غسل کند و نه خاک که تیمم کند نماز از او ساقط گردد و آن در دو وجه قضای آن نماز خلاف کرده اند و شهید اول و بعضی از علما اولی و جوب قضا را سیدند و اشبه بر آنی صحت آنست که قضا واجب نباشد و اما اگر از وقت مقدار زمان طهارت و نماز گذشته باشد و او عمدتاً نماز نکرده باشد از آن آب خاک بهم نرسد قضای آن نماز واجب است

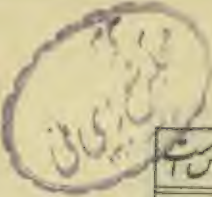
<p>علم بگرفتن آفتاب یا ماه انداخته باشد و بعد از بیرون رفتن وقت علم بآن بهم رساند و اگر بعضی از قریب گشته باشد و او عدا یا سهوا ترک نماز کند قضا واجب گردد و بر آری شهید اول و محقق و اگر علم بآن نداشته باشد و بعد از بیرون رفتن وقت علم بآن بهم رساند قضا واجب نمیکرد و موافق مشهور و بعضی قضا این نماز را مطلقا واجب میدانند و بعضی مطلقا واجب میدانند هر چند که عدا ترک کرده باشد بشرطیکه تمام قریب نگرفته باشد و باقی احکام نماز قضا بهشت چیز است چنانکه بعد از این در جده و لهاسیان میگردود</p>	<p>اول هرگاه نمازی از نمازهای یومیه از شخصی فرستد و آن شخص در وقت آن بالغ و عاقل و حلی از حیض و نفاس نباشد و کافر نباشد قضای آن واجب گردد و همچنین نمازی که در وقت خواب یا مستی از شخصی فوت شود قضای آن واجب گردد و دو حکم نمازی که بسبب خواب از شخصی فوت شود پیش از این تفصیل مذکور شد</p>
<p>دوم رعایت ترتیب میان نمازهای قضا واجب است یعنی ترتیبی که فوت شده قضای آن اسبابها آورد اگر ترتیب آنها را داد و اگر ترتیب آنها بجهول باشد جمعی از علما بر آنند که اگر نماز نباشد نمود تا ترتیب حاصل شود و بعضی گفته اند که ترتیب قضا میشود و این قول برای شهید اول علیه الرحمه اقوی است</p>	<p>سوم واجب است نماز قضا را بر عید یعنی اگر نمازی در حضر فوت شده باشد قضای آن را باید که تمام بجای آورد و قصر نکند هر چند که در سفر قضای آن را بجای آورد و اگر نمازی در سفر فوت شده باشد باید که قضای آن را قصر کند هر چند که در حضر قضای آن کند مگر نماز مغرب که قصر آن نباید کرد مطلقا</p>
<p>چهارم باید که رعایت هیأت نمیکند یعنی اگر از شخصی نمازی در حال خوف مشتاق فوت شده باشد و قضای آن را در حال غیر خوف بجای آورد باید که آن را قصر کند تا نباید که نماز را بهمان هیأت که در حال خوف بجای آورد و بجای آورد و هیأت نماز خوف بعد از این مذکور خواهد شد</p>	<p>پنجم هرگاه شخصی شروع کند قضای نمازی و در شایستگی آن بگذرد و نماز را تمام کند و نماز او درست است و اگر نماز او را در وقت نماز قضا باشد باید که عدل کند و اگر نماز او را در وقت نماز قضا باشد باید که عدل کند و اگر نماز او را در وقت نماز قضا باشد باید که عدل کند و اگر نماز او را در وقت نماز قضا باشد باید که عدل کند</p>

<p>پنجم هرگاه وقت نماز حاضره تنگ شده باشد و ششم هرگاه که از تکلیف نماز بسیار فوت شده باشد و شمار عدد آنرا نداند باید که آن قدر نماز بگذارد که بطنش غالب شود و نماز آن نبوده و نماز او فوت شده و نماز مختص باشد یا یک نماز فرضیه مگر از آن فوت شده باشد و اگر شخصی شک داشته باشد شک فوت شده باشد و اگر شخصی شک داشته باشد شک فوت شده باشد و اگر شخصی شک داشته باشد شک فوت شده باشد و اگر شخصی شک داشته باشد شک فوت شده باشد</p>	<p>اگر نماز قضا یک نماز باشد واجب است که مقدم دارند و بعضی گفته اند که اگر نماز قضا از همان نماز باشد واجب است که مقدم دارند و بعضی گفته اند که اگر نماز قضا از همان نماز باشد واجب است که مقدم دارند و بعضی گفته اند که اگر نماز قضا از همان نماز باشد واجب است که مقدم دارند و بعضی گفته اند که اگر نماز قضا از همان نماز باشد واجب است که مقدم دارند</p>
<p>هشتم هرگاه از شخصی نمازی از نمازهای فرضیه فوت شده باشد و نماز او را در وقت نماز قضا باشد باید که عدل کند و اگر نماز او را در وقت نماز قضا باشد باید که عدل کند و اگر نماز او را در وقت نماز قضا باشد باید که عدل کند و اگر نماز او را در وقت نماز قضا باشد باید که عدل کند</p>	<p>نهم هرگاه از شخصی نمازی از نمازهای فرضیه فوت شده باشد و نماز او را در وقت نماز قضا باشد باید که عدل کند و اگر نماز او را در وقت نماز قضا باشد باید که عدل کند و اگر نماز او را در وقت نماز قضا باشد باید که عدل کند و اگر نماز او را در وقت نماز قضا باشد باید که عدل کند</p>

باید که بایستد و قرائت کند اما که باید در حال برخواستن قطع قرائت کند و چون برخیزد از جایگاه
که قطع کرده شروع کند و اگر قرائت را تمام کرده باشد بایستد از برای رکوع و شخصی که ایستاد
نماز میکند اگر در اثنای قرائت عاجز شود از ایستادن باید بنشیند و نماز را نشسته با تمام نماز تمام کند
که در حال نشستن قطع قرائت نکند موافق رای شهید اول علیه الرحمه و بعضی بر آنند که باید در هر دو حال
قطع قرائت کند و بعضی دیگر گفته اند که در هر دو حال باید قطع قرائت نکند و در همه این احکام
فرقی نیست میان نماز ادا و قضا.

فصل دوم در بیان احکام و کیفیت نماز خوف و احکام آن سه چیز است خواندن این حدیث
بیان شد

اول خوف موجب قصر نماز گردد	دوم واجب است بخود داشتن	سوم هرگاه خوف حاصل شود از
در سفر جماعت و در حضر هرگاه در	سلاح مثل شمشیر و نیزه و غیره	دشمن یا زدی یا سبی یا حیوان
بجاعت بگذارد و اگر در حضر تنها	و در برداشتن سلاح مخفی	درنده جایز است که نماز خوف
بگذارد بعضی از علما بر آنند که قصر	کرده اند و بیشتر علما بر آنند	بگذارد هر چند در حضر باشد
نباید کرد و بعضی گفته اند که قصر	که سبباید بوده است چنانچه	و اگر شخصی در محل فرود شده باشد
نموده مشهور آنست که قصر باید بود	که نجس باشد و اگر برداشتن آن	یا غرق شده باشد باید که بعد
	مانع و اجبی از واجبات نماز	امکان نماز را بجا آورد و یا
	کرده و برداشتن آن با عدم	کند از برای رکوع سجده نماید اما
	اضطرار جایز نیست	را قصر کند مگر آنکه در سفر باشد
		یا خوف حاصل گردد.



در بیان کیفیت نماز خوف هرگاه که آن را بجاعت بگذارد و خوف یعنی ترس است
پس هرگاه که خوف حاصل شود و دشمنان در غیر جهت قبله باشند و اهل اسلام اراده نمایند
که نماز را بجاعت بجا آورند و ترسند که در اثنای نماز دشمنان بر ایشان حمله آورند باید که دو
فرقه شوند اگر احتیاج بزیاده از دو فرقه نباشد یک فرقه نماز را بجاعت بگذارد و فرقه دیگر
محافظت و جراست ایشان نمایند و پیش نماز بایک فرقه یک رکعت بگذارد و چون بر رکعت دوم
برخیزد فرقه که اقتدا کرده اند قصد انفراد نمایند و رکعت دوم را منفرد بگذارد و چون
نافع شوند بجماعت مشغول شوند و فرقه دیگر آیند و پیش از در اثنای قرائت رکعت دوم باشد
در رکعت اول خود بر رکعت دوم پیش نماز اقتدا کنند و چون پیش نماز بنشیند بنشیند ایشان
برخیزد در رکعت دوم را با انفراد یعنی قهقاری بگذارد و پیش نماز تشهد را طول دهد تا با ایشان
سلام را بجا آورد و اگر نماز مغرب باشد پیش نماز احتیاج دارد به رکعت از این دو فرقه
که خواهد یک رکعت را بگذارد و بفرقه دیگر در رکعت را جایز است که پیش نماز بایک فرقه نماز را
با حذر سازد و نوبت دیگران نماز را با فرقه دیگر بجا آورد و این نماز دوم پیش نماز نافله خواهد
بود بنا بر مذکور جماعتی که جایز میدانند که اقتدای نماز فریضه نماز سنتی نمایند و درین جا خلافت
کرده اند

در بیان کیفیت نماز مطارده و مطارده یعنی حمله آوردن بسید که بر دامن نماز است
در حال جنگ بجا آورند
پس هرگاه که جنگ در گیر دامن دقت بهر طریق که ممکن باشد ایستاده یا سوار یا در حال راه
رفتن نماز را بگذارد اگر در وقتیکه در دامن در نماز مقدر نباشد در هر قدری که تواند در وقتیکه

اگر چه تکبیر احرام باشد و پس اگر در آن هم مقدر نباشد و بقبل کردن ساقط گردد و باید که سجده و برای الی سب یا که پیش ازین کند و اگر رکوع و سجده متعذر باشد اشاره بسراپست و اگر نتواند اشاره بچشم کند و اگر آن را هم نتواند بدل هر رکعتی بجای قرائت و رکوع و سجده و اجابت تنها کافیت که سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بگوید اما باید که اول نیت تکبیر احرام بجا آورد و بعد از آن بجای هر رکعتی تسبیحات اربع بگوید و در آخر تشهد و تسلیم بجا آورد و در نماز مغرب باید که سه مرتبه تسبیحات اربع را بگوید بدل هر رکعتی یک مرتبه و در آن چهار نماز دیگر در هر کدام دو مرتبه باید گفت بدل دو رکعت

فصل سوم در بیان نماز جمعه و اجابت آن و در وجوب نماز جمعه در زمان غیبت امام علیه السلام درین علمائست

بعضی از علمای آن را واجب تحیری میدانند یعنی مکلف در روز جمعه واجب است که یا نماز جمعه یا نماز ظهر را بگذارد و اما افضل آنست که نماز جمعه بگذارد و بعضی گذاردن نماز جمعه را در زمان غیبت حرام میدانند و جمعی از علمای آن را واجب عینی میدانند یعنی در روز جمعه واجب است که نماز جمعه بگذارد و بجای نماز ظهر و محبت الزمانی ستم الله تعالی آن را واجب عینی میدانند و نماز جمعه در رکعت نماز است مثل نماز صبح اما در نماز صبح یک قنوت در رکعت دوم است و در نماز جمعه دو قنوت سنت است در رکعت اول قنوت را بعد از قرائت پیش از رکوع باید خواند و در رکعت دوم قنوت را بعد از رکوع باید خواند اما هر دو قنوت سنت است و باید که جمیع میان نماز جمعه و نماز ظهر نکند که اگر نماز جمعه صحیح واقع شود بجزئیست از نماز ظهر و نماز جمعه با وجود وجوب از پشت نظر ساقط است چنانکه درین جدول بیان میشود یعنی در پشت

واجب نیست که اگر چه ای نماز جمعه حاضر شوند و اما اگر حاضر شده باشند واجب میشود که نماز جمعه را بجا آورند و نماز جمعه تسبیح سبب ایشان مستند میگردد و موافق میشود بفرمان آن که سبب ایشان نماز مستند میشود و برایشان نماز واجب نگردد و هر چند که در جای که نماز جمعه بگذارد حاضر شوند و در سبب و خلاف کرده اند و آن هشت نفر که نماز جمعه از ایشان ساقط است درین جدول بیان میشود

اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
زن	بسته	مسافر	کود	بیمار عاجز
ششم	هفتم	هشتم		
بیمار عاجز	شی که از راه رفتن عاجز باشد	کسی که از او ناجایی که نماز جمعه گذارد و میشود زیاده و در فرج باشد		

و واجبات مخصوصه نماز جمعه نیز است چنانکه درین جدولها بیان هر یک از آنها میشود

اول ملاحظه وقت و وقت آن از زوال آفتابست تا آنکه سایه که بعد از زوال غاصل میشود مثل شاخص شود موافق قول مشهور و بعضی از علما بر آنند که وقت نماز جمعه مثل وقت نماز ظهر است یعنی تا وقتی که نماز ظهر را توان کرد نماز جمعه را نیز میتوان کرد

دوم صحیح است نماز جمعه هرگاه شروع بان کرده باشند پیش از بیرون رفتن وقت هر چند که چنین تکبیر اجماعی گفته باشند برای شهادت اول و بعضی گفته اند که اگر یک رکعت را در وقت بجا آورده باشند نماز جمعه صحیح است و الا باید که نماز ظهر بجا آورند و قول ثانی موافق رأی شیه ثانی است

سوم باید که نماز جمعه را بجماعت بگذارند که تنهایی گذاردن آن حرام است و گفته اند که اگر
 ناموم در وقت خطبه رکعت اول نماز حاضر نشود باشد و وقتی حاضر شود که امام در رکعت
 دوم باشد باید که تکبیر بگوید و منی بگوید و این رکعت را رکعت اول نماز خود حساب کند و باقی را بجا آورد
 چهارم باید جاعتی که نماز جمعه میکند کمتر از پنج نفر نباشد که یکی از ایشان پیش نماز باشد
 یعنی بنیز پیش نماز باید که چهار نفر دیگر باشند که مجموع پنج نفر باشند موافق مشهور و بعضی
 گفته اند باید که با امام هفت نفر باشند یعنی مجموع هفت نفر باشند
 پنجم واجب است که پیش از نماز دو خطبه بخوانند که هر یک از آنها مشتمل باشد بر حمد و ثنای
 خدای تعالی و صلوات بر پیغمبر و آل او و عطف و خواندن یک سوره که گناه یکبار یا تمامه العباد
 ششم باید که خطیب وقت خطبه خواندن ایستاده باشد اگر قدرت بیستادن داشته باشد
 و در میان دو خطبه لمحه بنشیند و آیا طهارت شرط است در خطبه یا نه خلاف کرده اند و اصح
 برای شیه ثانی و بعضی از علماء آنست که شرط باشد و اشبه برای تحقق آنست که شرط نباشد
 هفتم باید که خطبه را چنان بخواند که عدد معتبر که پنج نفرند یا زیاد تر بشنوند موافق قول اکثر و
 واجب است ترک حرف زدن در ثنای خطبه و متوجه شنیدن آن شدن در هر دو خلاف کرده
 بعضی هر دو را واجب میدانند و بعضی هر دو را سنت میدانند
 هشتم منع دیگر در نماز جمعه مگر با امام علیه السلام یا نایب خاص آن یا باقیه در هنگامی که
 اجتماع ممکن باشد در حال غیبت امام علیه السلام
 نهم هرگاه دو جماعت در دو جا نماز جمعه بگذارند واجب است که در میان ایشان یک نفر
 یا زیاده بر آن فاصله باشد که اگر فاصله کمتر از یک فرسخ باشد و هر دو یک بار شروع در نماز کرده

باشند نماز هر دو باطل است و اگر یکی پیشتر شروع کرده باشد هر چند که همین تکبیر احرانی
 گفته باشد نماز او صحیح و آخری باطلست
 فصل چهارم در بیان نماز عیدین یعنی نماز عید قربان و نماز عید رمضان
 و واجب اند این دو نماز بشرط نماز جمعه
 و باید که آنرا بجماعت بگذارند و با اختلاف شروط سنت است گذاردن آن و افضل آنست که
 آن را بجماعت بگذارند و مستثنائی نیز جایز است که نماز عید را بگذارند هرگاه که گذاردن آن
 سنت باشد و واجبات مخصوصه آن سه چیز است چنانکه درین جبه و لهما بیان آنها می شود
 و جدول است

اول رعایت وقت و وقت	دوم باید که پنج تکبیر بعد از قرائت سوم باید که بعد از نماز دو خطبه بخوانند
آن از طلوع آفتاب و زعیست	در رکعت اول بگوید و چهار تکبیر بعد و در جواب این دو خطبه نیز خلافت
تا زوال و اگر شخصی این نماز را بجا	از قرائت رکعت دوم و بعد از آن کرده اند بعضی از علماء واجب و اکثر
نیارند و تا آنکه وقت بیرون رود	هر تکبیری قنوت باید خوانند و در سنت میدانند و باید که این دو خطبه
قصائد از خواه داشته ترک کنند	و جواب نه تکبیر و قنوتها خلافت بعد از نماز بخوانند و مقدم داشتن
و خواه از روی فراموشی چنانکه	کرده اند بیشتر علماء واجب و بعضی آنها بر نماز بدعت است
در بحث قصائد گذر شد	سنت میدانند

و کیفیت نماز چنین است که اول قنوت کنند و بعد از آن تکبیر احرام بگویند و بعد از آن
 حمد بخوانند و بعد از حمد بر سوره که خواهند بخوانند و بعد از آن پنج تکبیر بگویند و بعد از هر
 تکبیری یک قنوت بخوانند و بعد از آن تکبیر رکوع را میگویند و رکوع میروند و بعد از رکوع دو سجده

بجای آوردند بر میخیزند و سجده میخوانند و بعد از آن چهار تکبیر میگویند و بعد از هر تکبیری یک قنوت میخوانند و بعد از آن تکبیر رکوع را میگویند و بر رکوع میروند و بعد از آن دو سجده میکنند و تشهد میخوانند و سلام میدهند و در وقت که این سه قنوت را هر قنوتی که خواهد خواند و اگر این قنوت منقول را بخواند بهتر است بقول اکثر علماء و قنوت منقول اینست که اللهم اهل الکبریا و العظمت و اهل الجود و الجبروت و اهل العفو و الرحمة و اهل التقوی و المغفرة اسألك بحق هذا اليوم الذی جعلته للسلین عیداً و الحمد صلی الله علیه و آله انا و ذرأه و شرفنا و مزینا ائمتنا علی محمد و آل محمد و ان تدخلی فی کل خیر ادخلت فی محمد و آل محمد و ان تخرجنی من کل سوء اخرجت من محمد و آل محمد صلواتک علیه و علیهم اجمعین اللهم انما نسئک خیر ما نسئک به عبادک الصالحین و نعوذ بک استعاذت عبادک المخلصین پس تکبیرات زاید در این نماز نه تکبیر است غیر تکبیر احرام و تکبیر رکوع و سجود و قنوت نیز نه است واجب است این نماز بر جماعتی که نماز جمعه را میخوانند واجب است و از جماعتی که نماز جمعه ساقط است این نماز نیز ساقط است مثل کور و زن و بنده و غیره

فصل پنجم در بیان نماز آیات یعنی گرفتن آفتاب ماه و زلزله و باد و امی سیاه و زرد و هراس آسمانی که باعث خوف باشد

و واجب است نماز از برای گرفتن آفتاب و ماه و زلزله و در باقی آیات خلاف کرده نه بعضی نماز را از برای تمام آنکه واجب میدانند و بعضی سفت و اما برای شهید اول و بیشتر علماء نماز از برای امور مذکور واجب است و در این جدول بیان وقت هر یک از آنها میشود و چه دل ایست

در بیان وقت نماز گرفتن آفتاب و ماه	در بیان وقت نماز زلزله	در بیان اوقات آیات دیگر
و وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای گرفتن آفتاب ماه است و آخر وقت آن شروع در خسوف است و موافق قول اکثر علماء بر سهیبت عید الرحمن آخر وقت را بخواند و اگر وقت و سعت نماز نه است و اگر وقت و سعت نماز نه است و اگر وقت و سعت نماز نه است	و هرگاه که زلزله واقع شود نماز واجب کرده هر چند که زمان طولانی باشد و نماز زلزله بنیت ادا باید کرد و هر چند که ساکن شده باشد و علماء گفته اند وقت و سعت نماز داشته باشد نماز واجب گردد و اگر زلزله باشد نماز ساقط است و بعضی از علماء بر آنند که اگر وقت گنجی ثلث باشد و یک رکعت نماز داشته باشد نماز واجب است و اگر کمتر از این باشد ساقط است	و سایر آیات هرگاه که بهم رسد نماز واجب گردد و بنا بر این جماعتی که نماز از برای آن واجب میدانند و در آنها نیز گفته اند اگر وقت و سعت نماز داشته باشد نماز واجب گردد و اگر زلزله باشد نماز ساقط است و بعضی از علماء بر آنند که اگر وقت گنجی ثلث باشد و یک رکعت نماز داشته باشد نماز واجب است و اگر کمتر از این باشد ساقط است
نماز واجب نگردد و موافق قول محقق علیه الرحمه و بعضی دیگر از علماء واجب میدانند و احکام قضای نماز کسوف و خسوف پیش ازین در بحث قضای مذکور گردید	و نماز آیات در رکعت است بطریق که بعد ازین مذکور میگردد و واجبات مخصوص آن چهار چیز است چنانکه درین جدولها بیان میشود	اول واجب است که در هر رکعتی پنج رکوع بجاء آورند که در دو رکعت ده رکوع بجاء آورده شود و خواندن پنج قنوت درین نماز سست است و قنوت در رکعت اول و سست قنوت در رکعت دوم چنانکه مذکور گردید

دوم باید که حمد را کمتر بخوانند در هر رکعتی هرگاه که سوره را تمام بخوانند و اگر تبیض سوره نمایند باید که در اول رکعت اول و دوم حمد بخوانند و در هر جا که سوره را تمام کنند بعد از آن حمد بخوانند چنانکه مذکور خواهد شد

سوم جایز است که در هر رکعتی تبیض سوره نمایند یعنی پیشتر از هر رکعتی یک یا یا زیاد بر آن بخوانند و اما اگر تبیض سوره نمایند مسی باید که در هر رکعتی یک سوره تمام خوانده شود یا زیاد بر آن و کمتر از یک سوره صحیح نیست

چهارم اگر در عدد رکوعهای این نماز شک کنند باید که بنابر کمتر گذارند و نماز را تمام کنند بنابر مشهور و اگر شک در عدد رکعتی نماز هم رسانند نماز باطل گردد چنانکه در بحث شکایات نماز مذکور شد

و این نماز را بدو طریق میتوان گذارد یک طریق آنکه در هر رکعتی پیش از رکوع حمد و سوره تمام بخوانند و بر رکوع روند و چون سر از رکوع بردارند باز حمد و سوره تمام بخوانند و بر رکوع روند و چون سر بردارند باز حمد و سوره تمام بخوانند و همچنین پنج رکوع تمام شود سجود روند و بعد از آن رکعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورند و بعد از سجود تشهد و سلام بخوانند و نماز را تمام کنند و اگر خواهند در هر رکعتی تبیض سوره نمایند یعنی قدری از سوره بخوانند هر دو طریق بعد از این جدول مذکور میگرد تا فهم آن آسان تر باشد

در بیان کیفیت نماز آیات هرگاه که پیش از رکوعهای آن سوره را تمام بخوانند و خواندن قنوتها سنت است و باقی افعال واجب است

رکعت اول نماز اول نیت کنند و بعد از آن تکبیر احرام بگویند

احکام رکوع اول	احکام رکوع دوم	احکام رکوع سوم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
بعد از تکبیر احرام تکبیر	و چون سر از رکوع بردارند باز حمد و سوره بخوانند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره بخوانند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره بخوانند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره بخوانند
سوره که خواهد خواند	تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند	تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند	تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند	تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند
بر رکوع روند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند
قنوت بخوانند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند
در رکوع روند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند
دوم بخوانند	دوم بخوانند	دوم بخوانند	دوم بخوانند	دوم بخوانند

احکام رکوع اول	احکام رکوع دوم	احکام رکوع سوم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
و چون از سجود برخیزد	و چون سر از رکوع بردارند باز حمد و سوره تمام بخوانند و بر رکوع روند و چون سر بردارند باز حمد و سوره تمام بخوانند و همچنین پنج رکوع تمام شود سجود روند و بعد از آن رکعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورند و بعد از سجود تشهد و سلام بخوانند و نماز را تمام کنند و اگر خواهند در هر رکعتی تبیض سوره نمایند یعنی قدری از سوره بخوانند هر دو طریق بعد از این جدول مذکور میگرد تا فهم آن آسان تر باشد	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره بخوانند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره بخوانند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره بخوانند
حمد و سوره تمام بخوانند	تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند	تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند	تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند	تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند
و بعد از آن قنوت بخوانند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند
بعد از آن باز رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند
بر رکوع روند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند
بر رکوع روند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند
و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند
و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند
و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند	و بعد از آن رکوع بروند

و اگر خواهند که در هر رکعتی بعضی سوره کنند جایز است یعنی بعد از حمد یک آیه یا زیاده بر آن
از سوره بخوانند و بر کعبه روند و چون سر از رکوع بردارند از همان جا که سوره را قطع کرده اند
یک آیه یا زیاده بر آن بی حمد بخوانند و بر کعبه روند و همچنین کنند تا رکوع پنجم سوره تمام شود
و اگر پیشتر از رکوع پنجم سوره را تمام کنند باید که چون بر کعبه روند و سر از رکوع بردارند حمد
بخوانند و صابطه آنست که در اول رکعت اول و دوم حمد باید خوانند و در هر جا که سوره را تمام
کنند و بعد از تمام کردن سوره بر کعبه روند و چون سر از رکوع بردارند باید که حمد بخوانند و بعد
از حمد اگر خواهند سوره تمام بخوانند و اگر خواهند باز یک آیه یا بیشتر بخوانند و اگر در آشنای
رکوعها سوره را تمام نکنند باید که در رکوع آخر هر رکعتی یک سوره یا زیاده بر آن تمام کنند
که در هر رکعتی کمتر از یک سوره تمام خوانده نشود و اگر در رکعت اول یک سوره تمام کنند
و قدری از سوره بخوانند و بقیه آن را در رکعت دوم بخوانند و تمام کنند بیاید که یک سوره
دیگر در رکعت دوم تمام کنند و اگر بقیه آن سوره بخند و بیان این احکام ازین جدول ظاهر

میشود و بعد از آن

رکعت اول نماز چنین است که اول قیامت کند و بعد از آن تسبیح احرار بگویند

احکام رکوع اول	احکام رکوع دوم	احکام رکوع سوم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
بعد از تسبیح احرار حمد بخوانند و بعد از آن یک آیه یا بیشتر از سوره بخوانند و اگر بقیه آن سوره را در رکعت دوم تمام کنند	چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند	چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند	چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند	چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند
و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند	و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند	و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند	و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند	و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند

رکعت دوم نماز

احکام رکوع اول	احکام رکوع دوم	احکام رکوع سوم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند	چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند	چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند	چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند	چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند و چون سر از رکوع بردارند
و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند	و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند	و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند	و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند	و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند

فصل ششم در بیان نماز طواف خانه کعبه و واجبات مخصوصه آن دو چیز است

اول	دوم
اگر این دو رکعت نماز را در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام بخواند و بعد از آن طواف کند و بعد از آن تسبیح احرار بگویند و بعد از آن یک آیه یا بیشتر از سوره بخوانند و اگر بقیه آن سوره را در رکعت دوم تمام کنند	اگر نماز را بعد از فراغ از طواف و پیش از شروع یا در پس مقام یا در یکی از دو جانب آن بخواند و بعد از آن تسبیح احرار بگویند و بعد از آن یک آیه یا بیشتر از سوره بخوانند و اگر بقیه آن سوره را در رکعت دوم تمام کنند
و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند	و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند و اگر خواهند سوره را تمام کنند

فصل هفتم در بیان واجبات و کیفیت نماز میت و این نماز واجب کفایت یعنی هر گاه که کسی آن را بگذارد از همه کس ساقط میشود

و واجب است نماز گذاردن بریت اگر مسلمان یا در حکم مسلمان باشد مثل طفل مسلمان
 هرگاه که شش سال تمام داشته باشد که اگر کمتر از شش سال داشته باشد نماز کردن بر آنست
 باشد هرگاه زنده متولد شده باشد و واجبات و احکام نماز و چیز است چنانکه بیان هر یک
 از آنها در جدول شده و جدول تعلقات و واجبات نماز میت اینست

اول باید که نماز گذارد در وقت نماز باشد	دوم باید که نماز گذاردن بریت بعد از غسل دادن و کفن کردن باشد اگر ادر کفن باشد
سوم باید که در وقت نماز گذاردن بریت را	چهارم باید که سریت در وقت نماز گذاردن بریت خوابیده باشد نه برپا
پنجم طهارت درین نماز شرط نیست بلکه	ششم باید که نماز گذارد در وقت نماز استقبالی قبله نمایند
هفتم این نماز رکوع و سجود ندارد و تشهد و سلام	هشتم باید که نماز را ایستاده بجا آورد اگر قدرت بر ایستادن داشته باشند الا هر قدر را که تواند ایستاده بجا آورد بقول شهیدین

نهم واجب است نیت کردن و بعد از نیت پنج نوبت تکبیر بگویند یکی از آنها تکبیر احرام باشد در غیر مخالف و در مخالف بچهار تکبیر ختم کنند

و هم باید که بعد از تکبیر اول شهادتین بگویند و بعد از تکبیر دوم صلوات بر پیغمبر و آل او باید فرستاد و بعد از تکبیر سوم دعا کنند از برای مؤمنین و مؤمنات و بعد از تکبیر چهارم دعا کنند از برای میت اگر مؤمن و مکلف باشد و اگر طفل مسلمان باشد دعا کنند از برای

پدر و مادران و بعد از آن تکبیر پنجم را بگویند و نماز را تمام کنند موافق قول شهید و اکثر علماء
 تحقیق گفته که دعا در میان تکبیرات لازم نیست و گفته که اگر قایل شویم بوجوب دعا در میان
 تکبیرات لفظ معینی واجب نباشد

در بیان کیفیت نماز میت و دعائاتی که بعد از تکبیرات باید خواند که کمتر از آن مجزی نباشد بهر ای جماعتی که خواندن دعا را بعد از تکبیرات واجب میدانند

نیت کند و تکبیر بگوید و بعد از تکبیر بگوید	تکبیر دوم را بگوید و بعد از تکبیر بگوید
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ	اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ
تکبیر سوم را بگوید و بعد از تکبیر سوم بگوید	اَللّٰهُمَّ اَخْفِرْ لِمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
تکبیر چهارم را بگوید و بعد از تکبیر چهارم بگوید	اَللّٰهُمَّ اَخْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ اِنْ كُنْ مِنْ اَوْلَادِ
اَللّٰهُمَّ اَخْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ وَ اِنْ كُنْ مِنْ اَوْلَادِ اَخِي	اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْ لَهَا بَوِيَّةً وَ لَهَا سَلَفًا وَ فَلَاحًا

و بعد از آن تکبیر پنجم را بگوید و فارغ شود از نماز

نیت کند و تکبیر اول را بگوید بعد از آن تکبیر دوم را بگوید و بعد از تکبیر سوم را بگوید و بعد از تکبیر	تکبیر دوم را بگوید و بعد از تکبیر سوم را بگوید و بعد از تکبیر	تکبیر سوم را بگوید و بعد از تکبیر
از آن بگوید	بگوید	سوم بگوید

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ	اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ وَسَلِّمْ	اَللّٰهُمَّ اَخْفِرْ لِمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
و اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ	مُحَمَّدٌ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ وَ رَحِمَةُ اللهِ وَ بَارِكْ وَسَلِّمْ	و اَلِ مُحَمَّدٍ وَ رَحِمَةُ اللهِ وَ بَارِكْ وَسَلِّمْ
عَبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ	و اَلِ مُحَمَّدٍ وَ رَحِمَةُ اللهِ وَ بَارِكْ وَسَلِّمْ	و اَلِ مُحَمَّدٍ وَ رَحِمَةُ اللهِ وَ بَارِكْ وَسَلِّمْ
و اَلِ مُحَمَّدٍ وَ رَحِمَةُ اللهِ وَ بَارِكْ وَسَلِّمْ	و اَلِ مُحَمَّدٍ وَ رَحِمَةُ اللهِ وَ بَارِكْ وَسَلِّمْ	و اَلِ مُحَمَّدٍ وَ رَحِمَةُ اللهِ وَ بَارِكْ وَسَلِّمْ

تجیر چهارم را بگوید پس اگر میت مؤمن باشد بگوید اللهم عبدک و ابن عبدک و ابن
 امک نزل بکت و انت خیر منزل ب اللهم انما لا نعلم منه الا خیر و انت اعلم به منا
 اللهم ان کان محسنًا فرد فی احسانه و ان کان مسیئًا فنجّاه عن ذنوبه و احشره مع من کان یتولاه من
 الائمة الطاهرین و اگر مؤمنه باشد بگوید اللهم امک و بنت عبدک و بنت امک
 نزلت بکت و انت خیر منزل ب اللهم لا نعلم منها الا خیر و انت اعلم بحسبنا اللهم
 کانت محسنه فرد فی احسانها و ان کانت مسیئة فنجّاه عن ذنوبها و احشرها مع من کانت یتولاه
 من الائمة الطاهرین و بعد از آن کبیر خیم را بگوید

فصل هشتم در بیان نمازی که بتدریاس شب نذر واجب شود مثل آنکه بجهت نذر
 واجب گردد

و نمازی که بتدریاس شب نذر واجب شود تابع نذر یا شب نذر مشرعت پس بر طبق
 که نذر کرده باشد باید که نماز را همان طریق بجا آورد اگر نذر مشروع باشد و ضابطه نذر مشروع
 آنست که فعل آن جایز باشد پیش از نذر در وقت واقع ساختن آن پس هرگاه نذر کند
 بیات مشروعی را یا بعد مشروعی را نذر منعقد گردد اگر واقع ساختن آن بیات در وقت
 مشروع باشد هر چند که واقع ساختن آن بیات در وقت نذر مشروع نباشد و اگر نذر کند
 از برای ترک واجب یا فعل حرام شکر آن نذر منعقد نگردد و زجر آن منعقد گردد و اگر نذر کند
 از برای ترک حرام یا فعل واجب زجر آن منعقد نگردد و شکر آن منعقد میگردد و صورتیست
 که نذر منعقد گردد یا منعقد نگردد درین حسب و لهما بیان میشود باین اقسام ثانی
 و جدول نیست

جدول در بیان نذر نمازی که صحیح باشد	و منعقد گردد
اگر شخصی نذر کند که نماز دو رکعتی بدو رکوع و چهار سجده و یک سلام بجا آورد	و منعقد گردد اگر
چون بیات نماز چنین مشروع است و مخالف بیات نمازهای مستحب از برای ترک واجب	در نذرش صحیح است
شرح نیست نذرش صحیح است	در نذرش صحیح است
اگر شخصی نذر کند که دو رکعت نماز مثل نماز صبح بجا آورد	در نذرش صحیح است
اگر شخصی نذر کند که سه رکعت نماز یک سلام یا یک رکعت نماز یک سلام	در نذرش صحیح است
بجا آورد اگر چه بیات این دو نماز مخالف بیات نمازهای مستحب	گردد و اگر نذر صحیح میدانند
شرح نیست	در نذرش صحیح است
اگر شخصی نذر کند که دو سجده بجا آورد	در نذرش صحیح است
اگر زن حائض واجب نذر کند که دو رکعت نماز بعد از پاک شدن	در نذرش صحیح است
از حیض و غسل بجا آورد چون بیات نذر مشروع در وقت واقع ساختن آن وقت	در نذرش صحیح است
آن نیز مشروع است که بعد از پاک شدن و غسل باشد	در نذرش صحیح است
اگر شخصی نذر کند که اگر فعل واجب را ترک کند زجر او دو رکعت نماز بگذارد	در نذرش صحیح است
و اگر نذر کند که اگر فعل واجب را بجا آورد و شکر او دو رکعت نماز بگذارد	در نذرش صحیح است
اگر شخصی نذر کند که اگر فعل حرامی کند زجر او دو رکعت نماز مستحب بجا آورد	در نذرش صحیح است
و اگر نذر کند که اگر ترک حرامی کند شکر او دو رکعت نماز بگذارد	در نذرش صحیح است
و اگر شخصی نذر کند که دو رکعت نماز نشسته یا سواره یا در حال راه رفتن	در نذرش صحیح است
بگذارد یا سوره بخواند هر چه که مانند آن باشد	در نذرش صحیح است

چندول در میان نذر باشد که باطل باشد	و منع نکرده
و اگر نذر کند که در رکعت نماز بجا آورد رکوع یا دو سجده و مانند آن بجا آورد	نذرش صحیح
چون بیعت این نماز مخالفت بیعت نمازهای متعارف نیست	نباشد
و اگر نذر کند که پنج رکعت نماز بیک سلام بجا آورد	نذرش صحیح نیست
و اگر شخصی نذر کند که نماز عید یا نماز کسوف را مثلاً در غیر وقت عید یا غیر وقت کسوف بجا آورد	نذرش صحیح نیست
و اگر نذر کند که رکوع یا تکبیر احرامی بجا آورد	نذرش صحیح نیست
و اگر زن حایض یا جنب نذر کند که در حال حیض یا حیضت مثلاً دو رکعت نماز بجا آورد یا سوره سجده بخواند اگر چه بیعت نذر مشروع است اما چون وقت واقع ساختن آن مشروع نیست	نذرش صحیح نیست
و اگر نذر کند که اگر فعل واجب را ترک کند مثلاً دو رکعت نماز مثلاً بجا آورد	نذرش صحیح نیست
و اگر نذر کند که اگر فعل واجب را بجا آورد جزا در رکعت نماز مثلاً بجا آورد	نذرش صحیح نیست
و اگر نذر کند که اگر فعل حرامی را بجا آورد مثلاً دو رکعت نماز بگذارد	نذرش صحیح نیست
و اگر شخصی نذر کند که در روز عید رمضان یا عید قربان روزی بگذارد و این بنسبت مذکور شد	نذرش صحیح نیست
و اگر شخصی دو رکعت نماز مثلاً در وقت متنی نذر کند و واقع ساختن آن در آن وقت مشروع باشد واجب است که آن را در آن وقت بجا آورد که اگر عید آن یا در آن وقت بگذارد باید که	

هم قضای آن را بجا آورد و هم کفار و بد ببقول شهید علیه الرحمه	
و اگر شخصی نماز واجب را نذر کند مثل آنکه کسی نمازهای واجب یا سوره را نذر کند و چون آن مؤلف گردد پس اگر آن را بجا نیاورد و کفاره بر او لازم نگردد و چون گفت که بد بگذارد مخالفت نذر تخفیف باید اما گناه ترک نماز بجا خود باقیست و کفاره دادن تخفیف نیابد موافق قول شیخ بهاء الدین محمد علیه الرحمه	
و اگر شخصی نذر کند دو رکعت نماز از نمازهای نافله را بعضی از مجتهدین را نذر واجب است که واجب است که در هر رکعتی بعد از فاتحه سوره بخواند هر چند که در نماز نافله خواندن سوره واجب نیست و این نیز از قول شیخ بهاء الدین علیه الرحمه نقل شد تمام احکام نماز نذر و شبهه نذر فصل پنجم در بیان نمازی که از پدر فوت شده و بر پسر بزرگتر قضای آن واجب گردد و در آن سه مسئله است	
مسئله اول واجب است بر ولی که قضا کند نماز را که فوت شده باشد از پدر و آیا نمازی که از مادر یا سایر اقارب فوت شده باشد قضای آن بردارث واجب باشد یا اکثر علما بر آنند که واجب نباشد و بعضی از علما قائل بوجوب آن نیز شده اند	
مسئله دوم بر ولی واجب است که قضای نماز فوت شده پدر را بجا آورد و ولی پسر بزرگ میت است بقول اکثر علما و بعضی گفته اند که قضای نماز میت واجب است بر هر واثی هر گاه که میت را پسر بزرگتر نباشد و اگر میت را دو پسر یا زیاده بر آن باشد که همه در سن سببند یا در سن است نماز میت را با تسبیح قضا کند و اگر میت را باقی نماند و هیچکس از وراثت بر او نباشد و بجا آورده اند و دیگران ساقط کردند مثل آنکه شخصی فوت شود و او را دو پسر باشد که هر دو هم سن باشند و از او	

سه نماز فوت شده باشد باید که هر سه یکی نماز او را قضا کند و آن یک نماز که باقی مانده
واجب کفائی گردد

مسئله سوم واجب میشود قضای نمازهای فوت شده از پدر بر پسر بزرگتر به شرط
چنانکه در جدولهای بعد از این مذکور میگردد و آنچه از این شرط خلافتی بود ذکر خلافست
نمودم و جدول شرط مذکور اینست

شرط اول واجب است بر پسر بزرگتر قضا کند آن نمازی را که در مرض موت از پدر فوت
شده باشد نه نمازهای دیگران را موافق قول بعضی از علمای و بعضی دیگر گفته اند که نمازی که از پدر
عندی فوت شده باشد بر پسر قضای آن واجب گردد نه نمازی که عمداً از او فوت شده باشد
و او اقدرت برگزاردن آن باشد و قول دیگر آنست که نمازی که از پدر فوت شده باشد قضای
آن بر پسر واجب گردد مطلقاً و قول آخر بر رأی شهید اول علیه الرحمه احوط است

شرط دوم واجب میشود قضای نماز پدر بر پسر بزرگتر هرگاه که پدر وصیت نکرده باشد
که شخصی را از برای گذاردن نماز استیجار نمایند که اگر پدر وصیت نکرده باشد وصیت او نافذ
باشد قضای آن از پسر بزرگتر ساقط گردد و اگر پدر وصیت کند که شخصی را استیجار کند که بعضی از
نمازهای فوت شده آن را قضا کند واجب است که قضای باقی آن را پسر بزرگتر بجا آورد و موافق قول
شهید ثانی علیه الرحمه

شرط سوم بعضی از علمای گفته اند که اگر پسر بزرگتر در وقت فوت پدر بالغ و عاقل باشد واجب میشود
که قضای نماز فوت شده پدر را بجا آورد و اگر بعد از فوت پدر بالغ یا عاقل شود قضای نماز پدر
بر او واجب نیست این قول موافق رأی شهید است در کتاب ذکر گری و بعضی از علمای بالغ

و عاقل بدون ولی را شرط نمایند در وقت فوت پدر بطلان میگرداند و بعد از فوت پدر
بالغ یا عاقل شود واجب میشود که نماز فوت شده پدر را قضا کند و لازم نیست که پسر بزرگتر
مشغول الذمه نباشد نماز واجب یا قضای نماز پدر با او واجب گردد و برای شهید ثانی و آیه پسر
بزرگتر واجب است که مقدم دارد آن نمازی را که سبب آن مقدم باشد مختار شهید در ذکر گری
آنست که باید رعایت ترتیب نماید و آیه پسر بزرگتر میتواند که شخصی را بجا ببرد که نماز فوت شده
پدر را ببرد و واجب شده قضا نماید مختار شهید در ذکر گری منع است و اقرب برای شهید ثانی
آنست که حکم مخصوص بولی باشد

فصل و هفتم در بیان نمازی که با جاره واجب گردد و واجب میشود نماز بسبب جاره
خواه بوصیت میت شخصی را با جاره گیرند خواه میت وصیت نکرده باشد
و تبرعاً شخصی را با جاره گرفته باشند که قضای نماز میت را بجا آورد و چون شخصی بجهت
قضای نماز میت با جاره گیرند باید که وجه جاره را از ثلث میراث میت اخراج نمایند بقیه
بعضی از علمای گفته اند که اگر میت وصیت کند بر ورثه اخراج آن لازم نیست و بعضی از علمای
بر آنند که وجه جاره نماز بطریق وجه اجاره و حج از اصل ترک باید داد و خواه میت وصیت نکرده
باشد و خواه نکرده باشد مسائل ضروری نماز اجاره چهار سله است چنانکه درین جدولها
بیان میشود و جدول اینست

مسئله اول هرگاه شخصی را با جاره گیرند که قضای نماز میت را بجا آورد و یا
که عادل باشد و مسائل ضروری نماز را بداند و عاجز از بعضی افعال نماز مثل
قیام و غیر آن نباشد

مسئله دوم واجب نیست بر آن شخصی که خود را با جاره میدهد که قضای نماز میت را بگذارد که بعد از وقوع اجاره علی الفور بآن اشتغال نماید یا اکثر اوقات بآن مشغول باشد بلکه همین قدر کافیست که بعض اوقات بآن مشغول باشد بحیثی که بحسب عرف گویند که بآن اشتغال دارد و کافی نمیکند

مسئله سوم جایز است که دو شخص را یا زیاده بر آن بجیت نماز یک شخص با جاره گیرند اما باید که وقت نماز هر یک از آن جماعت معین باشد تا دیگری در آن وقت بقضای نماز آن میت اشتغال ننماید و نماز او ترتیب قضا شود

مسئله چهارم هرگاه مرد خود را بجیت نماز زن با جاره دهد مخیر است میان جبر و اختیاری و همچنین اگر زن خود را بجیت نماز مرد با جاره دهد بشرط آنکه اگر جبر کند نامحرم آواز او را نشنود و این چهار مسئله موافق قول شیخ بھار الدین محمد است علیہ الرحمہ .

(بخط جواد شیرینی)

«گراور سازی گیتی»



